

# قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

سعید رضوانی

## معجزات امام:

### تبدیل آدم به آدمکش

معامله کندنه یک دولت معقول و مسئول. این رفتاری که اکنون در انگلستان و فرانسه با نمایندگان جمهوری اسلامی و دفاع سیاسی و اقتصادی ایران میشود، حتی از رفتاری که با شبکه های گانگستری میکنند بدتر و نرم تر و تر است.

ایران متجاوزان و زجرها رفته است که با اروپا روابط سیاسی دارد. در طول این چهار ورتن هیچوقت پیش نیا مده بود که سفارت ایران در پاریس را ماه مورین پلیس محاصره کنند و از اعضای سفارت، موقع ورود و خروج، ورقه شناسایی بخواهند یا در لندن، به بهانه دزدی یکی از دبیران های ایرانی کفش های اعضای سفارت را زیر بغلشان بگذارند و بگویند بر گردیده کشورتان!

ما از خودمان و از تمام هوامان شرم داریم

بقیه در صفحه ۱۰

## سوریه هم

### فاصله میگیرد

یک ناظر روشن بین محنه خاور میا نسه گفته است که عرب بدون مصر نمی تواند با اسرائیل بجنگد و بدون سوریه نمی تواند در آستان صلح کنند. کنا رکشیدن مصر از جبهه جنگ کار آسانی نبود، آمدن سوریه بر خط صلح نیز کار آسانی نخواهد بود. مصر آن بخش از خاک خود را که در اشغال اسرائیل بود با مذاکره پس گرفت، آیا سوریه هم خواهد توانست آن قسمت از خاک خویش را که در اشغال اسرائیل است با مذاکره پس بگیرد؟ هنوز مذاکره ای در کار نیست، و اگر هم باشد، برخلاف مذاکره مصر و اسرائیل دوجانبه نخواهد بود، بلکه باید در چهارچوب کنفرانس بین المللی صلح صورت پذیرد.

بقیه در صفحه ۱۰

## پرواز

### کیکاووس و نمرود

در صفحه ۶

ظاهرا " دنیا بر آن شده است که با رژیم آیت الله مثل یک شبکه گانگستری

حسینی مشکان

### حمله و ضد حمله

آنها که تاریخ معا صرا ایران را مطالعه کرده اند کاشمکش میان دوجناح رژیم حاکم را، از جهاتی، شبیه کشمکش می یابند که در آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی بین طرفداران سردار سپه و جناح مخالف وی جریان داشت.

البته شایسته آنکه از نظر شخصیت طرفین دعواست، بلکه از نظر حیاتی بودن موضوع - به قول خود آخوندها - متنازع فیه، که از این جهت تا آن است.

مجلس چهارم هنگامی به آخوری رسید که احمد شاه در اروپا بسر میبرد و اعتنای چندانی به اوضاع ایران نداشت. محمد حسن میرزا ولیعهد، برادر احمد شاه، با مورسلطنت را تکفل میکرد و رضا خان سردار سپه رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا بود. درگیری بین رئیس الوزرا و دربار از آن حد گذشته بود که قابل بردباری نبود. با شد. همه میدانستند که سردار سپه مقدمات ترقی خود را به مرثیه بالاتر از ریاست وزرا فراهم می سازد و میخواهد زبیر پسر شاه ولیعهد را جابجا کند.

بقیه در صفحه ۱۲

## سوء قصد نافر جام

### به جان مسئول نهضت در انگلستان

آن را برعهده داشت، رخ داد. خیرگزاران فرانسه زلند نمی نویسند: پس از آنجا رجب که در تومبیل آقای امیر پرویز در زیر صندلی کنا را راننده کا رگذاشته شده بود، دو عا بر بی درنگ برای بیرون کشیدن وی به سوی محل حادثه دویدند و دست به کار شدند. مسئول شاخه نهضت مقاومت ملی در انگلستان، بی درنگ به بیمارستان منتقل شد و دست و پایش که بر اثر انفجار آسیب دیده بود کج گرفته شد.

بقیه در صفحه ۵

## عطسه بیداری غرب

امریکا درصاحبها و اشیانگتن تا بزم رژیم خمینی را خونخوارترین رژیم دنیا از قرون وسطی تا امروز توصیف کرد و افزود: بهبود روابط بین ایالات متحده و مشتی دیوانه زنجیری که بر ایران حکومت می کنند، بسیار بعید است.

بقیه در صفحه ۳

### در مصاحبه با رسانه های گروهی

غرب در باره قطع رابطه پاریس - تهران

### بختیار: قطع رابطه با

### جمهوری اسلامی

### اجتناب ناپذیر بود

چهل و هشت ساعت پیش از آنقضای مهلت اوستیجا نوم ۷۲ ساعت رژیم تهران، دولت فرانسه ساعت دوازده و چهل دقیقه روز جمعه هفدهم ژوئیه اعلام کرد که روابطش را با رژیم جمهوری اسلامی قطع کرده است. پنجشنبه شانزدهم ژوئیه جمهوری اسلامی به دولت فرانسه اخطار داد که اگر دولت فرانسه ساعت دیگر، از محاصره سفارت جمهوری اسلامی در پاریس دست برندارد، روابط خود را با پاریس قطع خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۲

در فاصله های که برای کودکان ما نقل میکردند، گاه می آمد: با دنا هاکا مگار، که به جادوی دیونا بکار به خواب گران فرورفته بود، ناگهان عطسه ای زنده هوش آمد.

انگار جهان غرب عطسه بیداری را زده است، از روزیست و هفتم ماه مه تا روز چهارم ماه ژوئیه سال ۱۹۸۷، رهبران غرب، یکی بعد از دیگری، از خواب گران چند ساله برخاسته اند.

روز ۲۷ مه نوبت سرزیدنت رونالد ریگان بود که در یک مصاحبه تلویزیونی خشم خود را نسبت به قانون شکنی و تروریست پروری آخوندهای حاکم بر ایران - بالحنی که برای ملت ایران سخت اهانتمیز بود و پاشخود را از دکتر بختیار گرفت - بیان کرد.

روز ۱۱ ژوئن نوبت آقای واین برگر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا بود که به زبانی دیگری اعتنای جمهوری اسلامی به حقوق بشر و موازین بین المللی را بشدت مورد انتقاد قرار دهد. وزیر دفاع

## سخنرانی دکتر عبدالرحمن برومند

### هدف نهضت

هما نظور که در شماره گذشته با اطلاع خوانندگان گرامی خود رسا ندیم، از طرف نهضت مقاومت ملی ایران، واحد آلمان غربی، چند جلسه سخنرانی در شهر مونیخ، مونیخ، هامبورگ و کلن - از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ ژوئیه جاری - ترتیب داده شده بود. سخنرانان این جلسات، به ترتیب آقایان دکتر عبدالرحمن برومند، دکتر عباسقلی بختیار، دکتر منوچهر رزم آرا، اعضای شورا عالی نهضت مقاومت ملی ایران، بودند.

ما، در این شماره متن کمی کوتاه شده اولین سخنران، آقای دکتر برومند را که در باره هدف نهضت و طریق دستیابی به آن، سخن گفته است بخاطر خوانندگان خود می رسا ندیم.

بقیه در صفحه ۳

در مصاحبه با اساتید عالی دینی و علمای اهل بیت

### بختیار: قطع رابطه با جمهوری اسلامی

#### اجتناب ناپذیر بود

بقیه از صفحه ۱

فرانسه، این چنین، با اعلام قطع روابط سیاسی خود با رژیم تهران که نتیجه، ناکامی های بی دریبی در زمینه عسادی سازی روابط با این رژیم بود، بر جمهوری اسلامی پیشی گرفت.

در پی اعلام قطع روابط دیپلماتیک فرانسه با جمهوری اسلامی، رسانه های فرانسوی و آمریکایی با برگزاری چندین محاسبه با دکتر بختیار، رهبر نهفت مقاومت ملی ایران، نظریه را درباره این رویداد بزرگ روزگوارا شدند.

در محاسبه با آسوشیتد پرس، خبرنگاری آمریکایی، دکتر بختیار را ظاهراً رد است که قطع مناسبات دیپلماتیک میان فرانسه و جمهوری اسلامی، امری اجتناب ناپذیر بود.

رهبر نهفت مقاومت ملی ایران در این محاسبه که دوساعتی از اعلام قطع روابط با فرانسه با جمهوری اسلامی به سراسر جهان مخابره شد، اظهار داشت قطع این مناسبات از آن روی اجتناب ناپذیر بود که قوانین حقوق بین الملل از سوی جمهوری اسلامی هرگز محترم شمرده نمی شد و حتی از سال ها پیش زیر پا گذاشته می شد. وی افزود نه تنها برای فرانسه بلکه همچنین برای دیگر کشورهای غربی غیرممکن است که بتوانند با ملایان جمهوری اسلامی رابطه برقرار سازند. من فکرمی کنم که ملایانی که مستقیم یا غیرمستقیم بران حکومت می کنند، فاسدان و تبهکارانی واقعی هستند که دودستی به قدرت رسیده اند، اما به نظرم رسد که قدرت هر روز هر چه بیشتر از چنگ آنان خارج می شود.

دکتر بختیار را این نظریه را که در دوران رژیم جمهوری اسلامی، عناصر معتدلی یافت می شوند رد کرد و گفت غیرممکن است از بطن رژیم ملایان، رژیم معتدلی بیرون آید.

دکتر بختیار در باره روندی که متعاقب قطع روابط آغاز خواهد شد اظهار داشت که امیدوارم کارها به طرز عادی و احترام آمیز به قوانین بین المللی، پیش برود.

دکتر بختیار جمعه شب در محاسبه با رادیو "فرانس انتر"، اظهار داشت من با کارها به غرب هشدار دادم که نباید در رژیم خمینی بر تروریسم و کوردلی و تاریک اندیشی مبتنا شده است. جمهوری اسلامی همواره از تروریسم به عنوان یک ابزار کار استفاده کرده است و تردید نیست که تروریسم خود محصول تاریک اندیشی و وابستگی است.

### نامه دکتر بختیار به نخست وزیر انگلستان

۲ - مرا کز معاملات اسلحه رژیم جمهوری اسلامی را در انگلستان تعطیل و فروش و تحویل لوازم نظامی، اعم از قتل و غیر قتل را به طرفین متخاصم ممنوع سازد.

۳ - بدون توجه به وضع فعلی روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلستان، در مورد صدور و دیدن برای ایرانیانی که برای معالجه، تحصیل یا مدار بستگان خود، قصد سفر به انگلستان را دارند، تسهیلات لازم را فراهم سازد و درخواست سنا هندی افرادی را که سفر از مظلوم رژیم وحشی خمینی، سرزمین مادری خود را ترک می کنند، با نظر مساعد تلقی کند.

دکتر بختیار رهبر نهفت مقاومت ملی ایران طی نامه ای که روز دهم ژوئیه به عنوان خانم رگارت تا نخست وزیر انگلستان ارسال داشت، ضمن تشریح نتایج فلاتکارت جنگ ایران و عراق و وضع زندگی طاقت فرسای مردم ایران در دوران حکومت جمهوری اسلامی و آثار آن به اینکه بدعت استبداد و اختناق حاکم در داخل مملکت ملت ایران با سختی و ازجان گذشتگی بسیار بارز بر سر رژیم خمینی را بدین می برد، از دولتیست انگلستان خواستار گردید:

۱ - کوشش همه جانبه خود را از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد برای باسان دادن به جنگ ایران و عراق بکار برد.

### بختیار در مصاحبه با کویئیدین:

### برای ایران قانون جنگل حکومت می کند

کویئیدین - آیا از قطع روابط دیپلماتیک میان ایران و تهران نادمانی می کنید؟

بختیار - نخست بگذارید به شما بگویم که به نظر من، این قطع رابطه، قابل پیش بینی بود، ما با بست منتظر آن می بودیم، زیرا همزیستی با پاندهی کهنه به رغم خواست و اراده ملت ایران بر ایران حکومت می کند و نه قانون را گرامی می دارد، نه اخلاق بین المللی را، به راستی غیرممکن بود. فرانسه با همه حسن نیتی که نشان داد، چگونه می توانست به داشتن مناسباتی پایدار با چنین رژیمی امید بندد؟

پاریس بارها کوشید روابط خود را با تهران عادی سازد، اما من می دانستم که این کوشش ها، به رویا ری نخواهد آمد. در یک سو، کشوری قرار داشت که عقیده داشت در حقوق بشر تجاوزنا پذیر است، و در سوی دیگر، کسانی که نه حیات انسان را محترم می شمارند، نه آزادی های ابتدائی را.

کویئیدین - آیا تحولی که به قطع پیوندهای دیپلماتیک میان دو کشور انجام می دهد است، به زعم شما، برگشت ناپذیر بود؟

بختیار - ببینید، فرانسه کشوری است که در آن، منطقی وجود دارد. آیا می توان با جانوران سبغ مذاکره کرد؟ جز قطع رابطه، راه حل دیگری وجود ندارد و حتی می توانم بگویم اگر من بودم، بسیار سریع تر، این کار را انجام می دادم. باید نه گفتن را بلد بود و رئیس جمهوری و نخست وزیر فرانسه همین روش شجاعانه را اتخاذ کردند.

کویئیدین - به نظر شما، در آنچه گیری بحرانی که این روزها میان پاریس و تهران رخ داد، نقشی که می توان به رقابت جناح های متفاوت حاضر در صحنه سیاسی ایران نسبت داد چه اندازه است؟

بختیار - این عاملی است که بدبختانه درباره آن بسیار مبالغه شده است و متأسفانه این امریکاییان بودند که برای نخستین بار گفتند: ما با عناصر معتدل رژیم جمهوری اسلامی کنار نخواهیم آمد.

ملایان حاکم، عناصر معتدل ندارند. آن ها عناصر کم و بیش خونخوار دارند. هیچیک از جناح های این رژیم، قوانین بنیادی دمکراسی را رعایت نمی کنند. هیچیک از این جناح ها، قابل تحمل تر از جناح دیگر نیست. مسلماً، مظهر و نماد خمینی است، اما مدعیان دیگر نیز در صورتی که به قدرت برسند، بهتر عمل نخواهند کرد. آن ها کار دیگری نمی توانند بکنند مگر این که همین رژیم را پایدار نگاه دارند و این که از زمین بیرونند.

کویئیدین - نتایج این قطع رابطه اکنون چه می تواند باشد؟

بختیار - نخست، روندی آغاز شده است که اکنون پنج قدرت بزرگ شورای امنیت



هم میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهفت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵-۹۰-۴۰۵ پاریس

# عطش بیداری غرب

بقیه از صفحه ۱

روز ۷ ژوئیه آقای ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در مصاحبه با روزنامه لوموند در مقام پاسخگویی به شرارت های رژیم آخوندی، اظهار داشت من معتقدم با کسانی که تعهدات و قوانین بین المللی را رعایت نمی کنند، مذاکره بی فایده است. زیرا اخلاف مصالح ما و حتی مصالح خودگروگانهاست. این امر در باره کشوری نیز که قوا عدوموا زین بین المللی را به هیچ میگیرند صادق است. آقای فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه در مصاحبه تلویزیونی روز ۱۴ ژوئیه گفت: فرانسه دشمن ایران نیست ولی زیرا بر شرایط رژیم حاکم نمی رود، کشوری مثل فرانسه که شایسته تاربخش باشد در برابر برتیدید و زورگویی و باج خواهی سر تسلیم فرود نمی آورد. دیگر مردان سیاسی جهان غرب نیز هر کدام به سهم خود قریب به ازبیداری بندست داده اند.

با بیداری مسئولان دنیای آزاد گفت: آقایان، بیداریتان مبارک! اما چرا اینقدر دیر؟ مگر آنهائی که شرف و کرامت آخوندیست ستمداران با پوست و استخوانشان احساس کرده بودند، از سالها پیش شما را از این ورطه بربلجن ببرد نمی داشتند؟ اگر به همدارهای دکتربختیار، که خمینی و عمله فسادش و بیش از آن، ما هیت رژیم آخوندی را بسیار خوب می شناختند دل داده بودند، آیا پیش از رسیدن به ایسن مرحله بسیار خطرناک در منطقه بسیار حساس خاورمیانه - و بخصوص خلیج فارس که شریان حیاتی جهان آزاد است، عطش بیداری را نمی زدید؟

دکتربختیار را زشت سال پیش در همسفرها و دیدارها، با دلیل و منطق شما را از سازش با رژیم آخوندهای حاکم بر ایران - حتی بخاطر منافع دراز مدت خودتان هم شده - بجز در میداشت. ولی سوسه منافع آبی، پرده فیمی بر چشم عاقبت بین شما کشیده بود.

گذشته از این همدارهای حضوری، او از طریق وسائل ارتباط جمعی بین المللی، بوسیله پیامها، مصاحبه ها و سخنرانیها، در اینجا و آنجا، میکوشید غرب را بسوسه مغالطه آدامه حیات رژیم جمهمسوری اسلامی برای ایران و جهان، آگاه سازد. برای تجدید خاطر، صفحات قیام ایران را ورق میزنیم و بعنوان نمونه، در حدود گنجایش نشریه، عبارت ها سنی از پیام های مداوم و بدون ایهام و راه که منتهی از خروار است - نقل می کنیم.

ژوئن ۱۹۸۲

( در مصاحبه با هفته نامه آلمانسی ویرشافتس وچ )

سؤال - آقای بختیار، شما دو سال پیش سقوط نزدیک رژیم مذهبی ایران را پیش بینی کردید، اما جمهوری اسلامی هنوز برقرار است.

جواب - بسیاری از دولت های غربی، از

جمله آلمان فدرال روابط اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی دارند و ازین طریق از رژیم حمایت میکنند که نیروی خود هرگز بیش از یک سال دوام نمی آورد. در واقع من معتقد بودم که برای ملت های متمدن غیر قابل تصور است که کمک خود را به یک چنین رژیم تروریست و خونریز عرضه کنند. این روش نه با منافع دراز مدت آنها توافق دارد و نه با ارزش های اخلاقی جهان غرب که با یک چنین رژیم بریری همکار نکند.

سپتامبر ۸۲

( در مصاحبه با رادیو لوکزا مبورگ )  
- ... فکرمی کنم که قدرت هائی که از خمینی حمایت کردند، سرانجام در خواهند یافت که وقت آن است که در خلیج فارس، این منطقه بسیار حساس، سیاستی واقع گرا و در عین حال منطقی در پیش بگیرند.

نوامبر ۸۲

( در سخنرانی در انجمن "کنفرانس های بزرگ پارسی و اروپا" )  
" من نمی خواهم بگویم که استقرار رژیم خمینی منحصر "نتیجه نظر مسا عد و کمک غربیهاست. تکرار میکنم که ما رژیم فاسدی داشتیم، دمکراسی نداشتیم، ولی این برای سرنگونی آن کافی نبود. نظر موافق و سازگاری غرب، در روی کار آمدن خمینی نقش داشته است. به مورد ایالات متحده، آمریکا توجه کنید، در تاریخ مدرن جهان هرگز هیچ کشوری تا این اندازه که ایالات متحده از طرف رژیم خمینی تحقیر شده، تحقیر نشده است. به مدت ۴۴ روز دیپلمات های ایسن کشور برخلاف عرف و تقوا عد بین المللی بدست گروهی اوباش زندانی شدند. ... ولی آمریکا علیرغم این تحقیرها از خمینی نفت میخرود و سعی میکند به ملامت معتدل رویاورد. آمریکا تنها نیست، انگلستان و فرانسه هم همین کار را میکنند.

چند ماه قبل برخلاف همه اصول و تقوا عد بین المللی سفیر فرانسه را در فرودگاه تهران مثل یک قاچاقچی با زرسی بدنی کردند و چند روز پیش در جرایم بدخواه اندم که با همه اینها فرانسه تصمیم به اعزام سفیر دیگری به تهران گرفته است. ... این سازگاری و موافقت با رژیم خمینی تا کی به طول خواهد انجامید؟ کدام کشور خواهد بود که عاقبت شجاعت این را داشته باشد که علنا "تقا کند کشوری که قواعد زندگی بین المللی را محترم نمی دارد، از جامعه بین المللی را ندهد؟

دسامبر ۸۲

( در تلگراف به "کمیسون فرهنگ فرانسوی" بروکسل - پس از انصراف از سفر و اسراده سخنرانی، بر اثر فشار دولت جمهمسوری اسلامی )

" با ابراز امتنان از شخصیت های دعوت کننده، با بیداری واقعیست را پذیرفت که تروریسم هنوز شریک است

و کشورهای دموکراتیک، همچنان نکه در گذشته نداشتند و هیلتروا یاری دادند. امروز نیز بنا خواسته، به مثا صد شوم و ضد انسانی خمینی کمک میکنند. نظریه اینکه با این ترتیب نمیتوان اسم آزاده افکار و عقاید را در باره مبارزه ای که برای آزادی میکشیم، بیان نماییم، تصمیم گرفتم از این مسافرت صرف نظر کنم.

ژانویه ۸۳

( در مصاحبه با روزنامه بلژیکی "لوسوار" )  
من تمام کشورهای غربی را مورد خطاب قرار میدهم که نسبت به آیت الله خمینی و رژیم سنگینش کمتر گذشت و روی خوش نشان بدهند.

سؤال - آقای بختیار، توقع شما از غرب چیست؟

جواب - ما توقع نداریم که نیروی مسلح به ایران بفرستد، تنها میخواهیم که اینقدر گذشت و مراقت نشان ندهد و شریک جرم رژیمی که تا این حد حقوق بشر را زیر پا میگذارد، نشود.

آوریل ۸۳

( در سخنرانی در انجمن "کارفور دولامیتیه" )  
من در آغاز سخن از بعضی همراهیها و حتی نوعی همدستی غرب در موفقیت خمینی سخن گفتم. امروز همه می بینیم که علیرغم همه جنایتها، همه فجایع رژیم و علیرغم اینکه خمینی در رأس منفورترین حکام جهان قرار گرفته است، کشوری مثل سوئد در صدها توسعه روابط و مبادلات خود با جمهوری اسلامی است.

فوریه ۸۴

( در گفتگوی روزنامه "تايمز لندن" )  
من برای نکتته واقف هستم که چگونه بعضی از شرکت های غربی به صدور کالاهای جمهوری اسلامی متکی شده اند. من مخالف فروش بنی سلیب به ایران نیستم. اما وقتی پای فروش اسلوازم یدکی تا نیک و هوا پیما به جمهوری اسلامی به میان می آید، یعنی آنچه خمینی را قادر می سازد هزاران تن از کودکان ما را به کام مرگ بفرستد، عمل نابخشودنی میشود.

مارس ۸۴

( در مصاحبه با مجله عربی "الدستور" )  
من در دیدارهائی که با دولتمردان چند کشور غربی داشتم، آنان را از آزاده سیاست های شان در قبال خمینی و کمک به رژیم و بربخردا شتم و خطرات ناشی از آزاده این سیاستها را به آنها گوشزد کردم. ... سیاستمداران مؤمن به دمکراسی نیز، کشورهای خود را از کمک به خمینی بربخردا رند. من در سفر آمریکا و انگلیس و کشورهای منطقه، این همفکری را مشاهده کرده ام. همگسی این مردان سیاسی به دولت های خود همدار داده اند که با کمک به روح الله خمینی جهان را با خطرات روز افزون مواجه خواهد کرد و سیاست جنون آمیز این آخوند ممکن است آتش جنگ سوم جهانی را شعله ور سازد.

فوریه ۸۶

( در سخنرانی در شورای روابط خارجی آمریکا، لوس آنجلس )

نیاز به تکرار این واقعیت نیست که چه از

لحاظ روحی و وجه نظر عملی، برای غرب اشتباه بزرگی خواهد بود اگر در مورد کمک مالی به حکومت استبدادی و تروریست پرور خمینی اقدامی به عمل آورد. امروز با روشن شدن مسائلی که در فیلسوفان هادان هستیم درمی یابیم که بسیار دور از واقع بینی خواهد بود اگر حکومتی که مورد نفرت مردم است مورد حمایت قرار گیرد. بدین ترتیب بسیار رجا خواهد بود که اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم.

اکتبر ۸۶

( در گفتگوی روزنامه آلمان "دی ولت" )  
غرب نباید در باره ما هیت و عمل رژیم جمهمسوری اسلامی دچار توهم شود. اگر چه تروریستها از انقلاب نیز در ایران وجود داشت ولی به عقیده من هرگز چنین مطلق و چنین گسترده و دارای انگیزه دینی نبود. امروز تهران مرکز تروریسم بین المللی است.

ژانویه ۸۷

( در مصاحبه با روزنامه فرانسوی "لوکوتیدین دوپاری" )

سؤال - آیا واقع بینانه میدانید که کشورهای غربی روابط خود را با رژیم خمینی عادی سازند؟

جواب - عادی سازی روابط با دولتی که قوانین بین المللی، عدالت و ابتدایی ترین اصول انسانیت را پایمال می کند؟ با دولتی که جز در اندیشه صدور انقلاب تعصب بارش نیست؟ چرا می خواهید غربی ها مناسبات شان را با چنین دولتی عادی سازند و حال آن که همواره آن را وحشی و بربرتوصیف می کنند؟ نمی توان و نباید با خمینی، مردی که به نام او و تحت مسئولیت او، این همه جنایت انجام شده، سازش کرد. قابل درک می دانم که غرب در آنچه در ایران می گذرد، مداخله نکند، اما به هیچ روی درست نمی دانم که غرب با معامله با رژیم کتونی، بر آنچه در ایران می گذرد، چشم فرو بندد.

فوریه ۸۷

( در پیام به کمیسیون روابط خارجی حزب دموکرات مسیحی اروپا )

این رژیم شهنشاه در داخل مرزهای خود، با تکیه بر شیوه ارتعاب و وحشی بیرحمانه حکومت میکند، بلکه با گسترش شبکه های تروریستی و گروه های گنجهری در جهان و بسا مداخله آشکارا در امور داخلی همسایگان، با توسل به آشوبگری و جنگ، امنیت و صلح خاورمیانه و جهان را به خطر می اندازد. آیا این جنگ می تواند بدون حمایت وحشی همدستی باره ای از دولت ها و از جمله کشورهای دمکراتیک که ملامت میکوشند با گروهان گرفتن شمساری از اشاع بی گناهان مرعوبشان سازند، آزاده یا بد؟ ... تا رینخما مرجهان بخوبی نشان داده است که در برابر رژیمهائی از این دست و شری که در وجودشان تجسم یافته، اقدامات نیم بند و سیاست دست روی دست گذاشتن و دادن امتیاز خطاست.

ژوئن ۸۷

( در نامه سرگشا دهه ربگان )  
بفرما شیده تروها ش هشت سال تمام،

بقیه در صفحه ۱۱

### سخنرانی دکتر عبدالرحمن پروین

## هدف نهضت

بقیه از صفحه ۱

حاکمیت ملی واستقرار آن در مملکت هدف نهضت مقاصد ملی ایران است. مفهوم حاکمیت ملی این است که مردم در داخل کشور آزادی و دموکراسی بهره مند باشند و در محنت بین المللی از استقلال، منظوراً دموکراسی حکومت اکثریت است با رعایت کلیه حقوق سیاسی واجتماعی اقلیت بنحوی که اقلیت مجال و امکان اکثریت شدن را نداشته باشد.

این هدف، هدف جدیدی نیست. هدف میهن پرستان و آزادیخواهان مملکت قبل از جنبش مشروطیت نیز همین بوده که بدینال سالها کوشش وتسلط و مجاهدت منجر به انقلاب مشروطیت و تدوین قانون اساسی گردید و حاکمیت ملی بموجب اصل ۲۶ متمم قانون اساسی که میگوید "قوای مملکت ناشی از ملت است" سرگرمی مقصود نیست و به صورت روح قانون اساسی و در واقع علت وجودی مشروطیت متجلی شد زیرا قیام مردم برای بدست آوردن مشروطیت بدین منظور بود که: اراده ملی جایگزین اراده فردی شود و حاکمیت که در قبضه فردیاً طبقه ای خاص بود به صاحب حقیقی آن یعنی ملت انتقال یابد و به عبارتی دیگر نظام مردمسالاری در مملکت برقرار گردد.

با این توضیح به این نتیجه متطقی میسریم که هر اصل از اصول قانون اساسی و متمم آن خواه از اصول اولیه یا اصول اصلاحی یا الحاقی که معارض روح قانون اساسی یعنی حاکمیت ملی باشد یا محدودیتی برای حاکمیت تحمیل کند، فاقد اعتبار و ارزش اجرایی است.

(...)

نگاهی بتاریخ ایران از آغاز مشروطیت تا کنون، نشان میدهد که کلیه حرکتها، نهضت ها و مبارزات ملی در این مسیر جریان داشته است.

مبارزه علیه قرارداد ۱۹۰۷ منعقد بین روسیه تزاری و انگلستان و تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ برای هر یک از طرفین قرارداد، قیام مسلحانه علیه محمدعلی شاه قاجار، مبارزه وسیع و دامنه دار ملت علیه قرارداد ۱۹۱۹ که بموجب آن ایران عملاً "تحت الحما به انگلستان قرار میگرفت، مخالفت ملیون ایران با کودتای ۱۲۹۹، مبارزه آزادیخواهان با تغییر سلطنت.

مبارزات آزادیخواهان ملت ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا نهضت ملی کردن نفت در وجهیه با دوندگی و فداکاری یکی نیروی سیه و یکی نیروی سرخ، آن با همه تجهیزات و ایس گرای سنتی برخوردار از حمایت قدرت های استعماری و خارجی. این با سیمای مردم فریب پذیرداری از طبقات محروم و رنجبر برخوردار از حمایت همه جانبه تعلیماتی، تبلیغاتی و تشکیلاتی یک قدرت تازه نفس خارجی با یک ایدئولوژی جهان شمول فدملسی گراشی.

مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق برای ملی کردن صنعت نفت مبارزات ملیون ایران علیه نظام نانی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام مردم در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و نخست وزیری نایب ریختاریا روبا لخره اما میان مبارزات رهبری دکتر بخنیا را از طرف نهضت مقاصد ملی ایران تا امروز همه این حرکت ها، قیام ها و نهضت ها که توأم با فدا شدن تعداد بی شماری از فرزندان جانبا ز سرزمین ما بوده و حماسی ترین بخش تاریخ جدید ایران را تشکیل میدهد بخاطر آنکه مبنای حاکمیت ملی واستقرار آن صورت گرفته است.

(...)

حال باید دید که: چرا مبارزات ملت ایران در این زمینه بعد از هشتاد سال گرچه کنگها با نیروی بی ثباتی زودگذر توأم بوده است ولی تا کنون منجر به پیروزی قطعی و نهایی نشده است؟ و چگونه میتوان به هدف رسید؟

با سخن بدین سؤال را در شناختی عوامل داخلی و خارجی که معارض حاکمیت مردم بوده و هستند میتوان یافت. عوامل داخلی معارض حاکمیت مردم تا ما افراد و طبقاتی هستند که بدون لیاقت و استعداد دومی هیچ زحمات و فعالیت درصدد کسب منفعت و ثروت اندوزی هستند و چون تحصیل ثروت و مال اندوزی از طریق مشروع بدون لیاقت و فعالیت میسر نیست تا گزیر با پدا از طریق نامشروع مقصود خود را حاصل کنند یعنی عواید حاصل از فعالیت عمومی را که دسترنج قاطبه مردم است به جیب بزنند و بیسسه قیمت لاغر شدن اکثریت ملت فربه و پرور شوند. برای توفیق در این امر باید مردم آگاه و نهان شوند، به حقوق خود پی ببرند و احیاناً "اگر حقوق خود را شناختند از احقاق حق ناتوان باشند برای اینکه چنین باشد با شداید بجهل، اختناق، ترور و وحشت برجا معسایه افکنند، زبانها بسته و قلمها شکسته، اجتماعات ممنوع و انتخابات فرمایشی شود و خلاصه تبعید و زندان و شکنجه و اعدام متداول گردد تا مخالفین داخلی حاکمیت ملی از جمله حکام و فرمانروایان طامعان سود و

چپا و لکر، آخوندهای مفت خور و بیایمان که دین را دکان کسب معاش و ارتزاق قرار داده اند یعنی از ملاکین و سرمایهداران، قشری از تحصیل کردگان مدعی و شغفگری که رفاه بی زحمت میطلبند، جمعیست که چایلو سنان و پشت هم اندازان کدشمارشان اندک نیست برخوردار شوند.

اما عوامل خارجی مخالف حاکمیت ملی دولت های استعماری و رگرنیرومندی هستند که برای کسب و حفظ منافع نامشروع خود در گذشته با اعمال زور و بکار بردن قوای نظامی حاکمیت خود را مستقیماً "بر مملکت ضعیف تحمیل میکردند و در شرایط کنونی غیر مستقیم، یعنی از طریق عمال و دست

تشانندگان داخلین.

بدیهی است که معارضین داخلی و خارجی حاکمیت ملی با تشکلات اشتراک منافع هموار در برابر ملت متحد "مف آراشی کرده اند و میکشند و همین اتحادنا مقدس با استفاده از فقدان سازمانهای سیاسی ریشه دار و کارهای تشکیلاتی فعال در کشور تا با موزمانع به شعر رسیده اند مبارزات ملت ایران بوده است.

حال بسینیم: اگر در طول این مدت ۸۰ سال بجای هدف اصلی که حاکمیت ملی است اهداف سیل الوصول سردیگری که معارضان نیرومندنداشت تعقیب میکردید و بیسسه نتیجه میرسید راه برای نیل به هدف اصلی هموارتر میشد؟ و احیاناً "تا کنون به مقصود رسیده بودیم؟

مثلاً: اگر در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش برنامهای وسیع تدوین و اجرا میکردید و نتیجه رشد عملی و فرهنگی کافی نصیب مردم میشد درک حاکمیت ملی برای عموم و تحمیل آن آسان تر نبود؟ اگر اصلاحات اجتماعی دامنه داری را وجهه همت خود قرار میدادیم بنحوی که فقر و تنگدستی ریشه کن میکردید یک موضوع حساس و آسیب پذیر را در برابر دشمنان ترمیم نکرده بودیم؟

اگر به توسعه صنایع و معادن کشاوری پرداخته بودیم و در صف معالک پیشرانشه صنعتی جهان قرار میگرفتیم ز قسدرت بیشتری برای مقابله با معارضان برخوردار میشدیم؟

اگر برنامهای جهت گسترش کسب و کاری تنظیم و بموقع اجرا میگذاشتیم و از لحاظ محصولات کشاوری خود کفای میسر میبود و دیگر نیازی به وارد کردن مواد غذایی از خارج نداشتیم مکان ایستادگی و مقاومت مان در برابر مدعیان بیشتر نمیشد؟ مسئله همین جاست. ملتی که حاکم بر مقدرات خویش نباشد آیا قادر است برنامهای صحیح در زمینه اصلاحات داخلی تنظیم کند؟ و اگر برنامهای صحیح داشت آیا میتواند آنها را بدرستی اجرا کند؟

بدون شک نه! چون اگر قرار باشد اجرای چنین برنامهای منجر به تقویت حاکمیت ملی شود نیروی نیروهای ملی که حاکمیت خود را بر ملت تحمیل کرده اند هرگز نخواهند گذاشت که این گونه برنامهها بشعور مطلوب تدوین و اجرا گردد چنانکه در گذشته شاهد بودیم که هیچیک از برنامههای با مصلاح اصلاحی تا نه فقط منتهی به نتیجه دلخواه نشد بلکه برعکس زیان بیشتری برای مملکت و سود بیشتری برای قدرت های حاکم بر ما آورد.

بسیار با ایدئولوژی بود که طرح این قبیل موضوعات انحرافی صرفاً "به منظور مشغول کردن مردم و با زدا شدن آنها از تعقیب هدف اصلی است، نخست با بدبختی نوشتن خویش حاکم شد و آنگاه طرق دستپاچی به بهروزی و سعادت را جستجو کرد.

(...)

نهضت مقاصد ملی ایران با مطالعه دقیق تاریخچه این مبارزات و تجربیات حاصل از آن چنین نتیجه گیری کرده است که ملت ما در طول مبارزات خود گرچه همواره دشمن را شناخته و با او به نبرد برخاسته است لکن غالباً "گرفتار

دشمنان ناشناخته ای شده که حاصل کوشش ها و تلاشی های او را بر بوده اند، گرچه همیشه علیه ما مطلوب آگاهانه قیام کرده ولی هرگاه از ما مطلوب خلاصی یافته است یا دقیقاً "مطلوب را نمی شناسد و یا امکان بکوسی نشاندن آنرا نداشته است. نهضت مقاصد ملی ایران برای این باور است که فقط وجود یک تشکیلات منظم و منضبط سیاسی میتواند از طریق تعلیمات و تبلیغات صحیح و دقیق مطلوب را که حاکمیت ملی است به مردم بشناسد و امکان بکوسی نشاندن آنرا فراهم سازد و تنها در سایه چنین تشکیلاتی است که میتوان دشمنان ناشناخته را از دید و استقلال را که همچون حوامیان و اهزان در رهگذر ملیون دامگسترده اند بسازد. شناخت و ازیروز قیام جدیدی ما نشاند سلطه آخوندهای بی وطن و فدملسی جلوگیری کرد.

ممکن است تصور شود که در محیط اختناق و وحشت مجال سازماندهی سیاسی نیست، البته مجال سازماندهی آزاد و علنی نیست و ما دام که حاکمیت فدملسی بجای مجالی دست نخواهد داد ما این امر نباید ما را از سازماندهی منصرف کند و تا ابداً در سنگلاخ سرگردانی و حیرت نگهدارد مگر ملت های دیگری که با طرز آزادی و استقلال بسیار خسته و بیروز شده اند در جای این تنگنا نبوده اند؟ تشکیلات بنحوی با رعایت کلیه ضوابط شناخته شده مربوط به آن ضمن استحکام و انضباط بیشتر نتایج بسج

کامل "دلخواه را بسازیم آورد. بر اساس این باور نهضت مقاصد ملی از بدو تشکیل با ایجا دهسته های مخفی مقاصد و گسترش مستمر آنها بسازماندهی در داخل مملکت برداشت و کار سازماندهی را با همه مشکلات و موانع تا این لحظه بدون وقفه پی گیری نموده و موفقیت های چشمگیری در این زمینه تحمیل کرده است.

به موازات آن از طریق راه دیو و نشریات تعلیماتی و تبلیغاتی علمی ادوای هدف نهضت را که استقرار حاکمیت ملی است توضیح و تشریح نموده تا هر چه بیشتر و عمیق تر در ذهن مردم عموماً "و کارهای فعال سازمان خصوصاً "جای گیری و همچون عقیده ای استوار در جانها و روانها خنده کند و آنها را بخش مبارزات ملی گردانند و بیوسسته در برابر دشمنان قدرتمندی سلطه جو و تهاجمی های آنان علیه مصالح مملکت برده برداشته و از فریب خوردن و گمراه شدن ملت زیر دستم ایران معانت بعمل آورده است.

نهضت مقاصد ملی ایران در صحنه بین المللی همیک لحظه از تلاش بازنایستاده است آنچه در توان این سازمان بوده است در شناختن ماهیت واقعی رژیم فاسد، فدملسی و غیرانسانها که کمابرایران به افکار عمومی جهان نیا بکار رفته است.

در روابط خود با قدرتمندی خارجی نهضت مقاصد ملی ایران از طرفی عملاً نشان داده است که نه تنها بخاطر تحمیل و

بقیه در صفحه ۱۱

که خبرنگار فیلمبردار تلوویزیون است در باره بخش خبرتظار آقا یا صحبت می کردم گفت بخش خبر و فیلم تظار هرات برای سا زمان مجا هدین خیلی گران تمام شد چون برای هر دقیقه بخش مبلغ جهل هزار مارک پرداخته اند.

آلمان غربی - یک بنا هنده

### نامه‌یی از بوند

سردبیر محترم قیام ایران، اینجا نب، درباره مطلبی که در شماره ۱۵۶ هفته‌نامه کیهان چاپ لندن، چاپ شده بود، بموجب مسئولیت سا زمان خود، شرحی به نشریه‌نامه مبرده نوشتسم کسه متا سفانه از درج آن خودداری کردند. لذا با ارسال عین شرح مذکور تمینی دارم نسبت به درج آن در قیام ایران اقدام فرمائید، موجب مزید امتنان خواهد بود. سوشد - نور محمد عسکری

سردبیر محترم کیهان،

در شماره ۱۵۶ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۷ صفحه ۹ روزنامه کیهان شرحی به مضامین قیام ایران بر روی میز نوشتی - حمیدرضا رضائی - عادل سلیمان نیان درج گردیده بود.

از آنجا که این اقدام بدون رعایت نظایات سا زمان و بصورت خودسرانه، از سوی نامبردهگان صورت گرفته‌بود، بلافاصله پس از رسیدگی مراتب، بریایه مقررات ناظر بر این نظایات تهنیت و مقاومت ملی ایران، به مسئولیت و عضویت نامبردهگان در نهضت، با پسان داده شد.

تمینی است شرح حاضر در نخستین شماره آن روزنامه که به چاپ خواهد رسید، مقرر به درج فرمائید. با پسان، مسئول شاخه کشوری نهضت مقاومت ملی ایران - نور محمد عسکری

لباسها ئی شبیه لباس نظام سابق ایران پوشیده بودند. یکی دریا ئی - یکی هوا ئی - یکی زمینی و یک اونیفورم دیگر که نفی می دم مربوط به چه نیروئیی است. پشت سر آنجا یک دسته فرادلباسی شبیه نیروی زمینی و یک دسته لباسی شبیه اونیفورم هم فران بخت داشتند. بقول یکی از افسران آشنا که آنها را دیده بود، از نحوه حرکت آنها پیدا بود که نظامی نیستند و نقش نظامی را بسازی میکنند. یک گروه هم با روپوش سفید به عنوان پزشک صف کشیده بودند. بقیه افراد لباس معمولی داشتند. پیشا پیش همه عکس بزرگ زوج رهبری قرار داشت.

نکته جالب از بندهای آقا یا ن این بود که تعداد فوق العاده زیادی عکسهای کوچکتر زوج رهبری را بصورت بلاکار در تهیه کرده بودند و به دست بندها کاشی که دنبال عکس انداختن بعنوان مدرک سیاسی بودند. می دادند. شعار زیر عکسها هم به فارسی و آلمانی همه در ستایش آقای رجوی و عیال وبسته بودن ناف آنها به نافرمان بود: "رجوی ایران - ایران - ایران رجوی" - انگار رکنه خدا و ندما لم سرنوشت این مملکت چند هزار ساله را به تا رسیل این آقا زاده و همسرش وابسته است که اگر رجوی و سریم خدای نخواسته یا پشان از زمین در برود ایران هم مضحل خواهد شد.

آلمانی ها که علاقه خاصی به کار رنا وال دارند، به تماشا می ایستادند برای آنها تماشا ئی بی تفریحی نبود. یک آدمی که ما سک خمینی زده بود، جلوی جمع آدا در می آورد، یک جمعی با لباسهای زرد و آبی و سرخ و کاکت و یک دسته دختر با روسری های سرخ و جمعیتی با عکسهای سر چوب کرده، یک آقای سیلوویک خانم روسی بسر حرکت می کردند. فردای تظار هرات با یکی از دوستان آلمانی

## نامه‌ها و نظرها

جاسام با نفسی را به ما و بسته های جاسامگان کرا می خط برای مسکن کردن نظرات و عتاسد و سردا ئت های نخعی نویسندهگان تا معاهات و لروما به معنای موافقت و هم را ئی ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با متا همه آئین نوشته ها سبب. از نویسندگان نامها تقاضا می کنیم با م و بنیان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود تا دا و رشوند تا نامشان محفوظ بماند. امزون براین، از چاپ نامها ئی که در آن عا نسبت به انتخا و گروهها هنگ حرمت شود و با عفتست و سرکوا ری فقم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامها از ماست.

### لوطی غلامحسین های خلقی

استغاده از وسیله سفر مجانی و با زدید از شهرین و با دیدار آشنایان پراکنده در شهرهای مختلف به بین آمده بودند. از طرف دیگر یک گروه از پناهندگانی که تقاضای پناهندگی داده و هنوز با تقاضای آنها موافقت نشده برای تحمیل یک مدرک دادگاه هستند در تظار هرات شرکت کردند که عکس آنها در تظار هرات منعکس باشد و آنرا بعنوان مدرک مخالفت با خمینی به دادگاه ارائه دهند. این امر در کوشش آنها در قرار گرفتن در صفوف اولیه و اصرارشان به عکسها کسه از ایشان عکس بگیرند، بخوبی آشکار بود. با این تمهیدات آقا یا ن موفق شدند جمعیتی در حدود هزار نفر - که البته معدوم یعنی چند هزار نفر شدند - گرد آورند در حالیکه کم و بیش همه میداند که تعداد مجا هدین در شهرین جدا کثره ۷۰ نفر - در شهر دلسلدورف حدود ۱۵۰ نفر و در شهر گلن حدود ۱۰۰ نفر بیشتر نیستند. این واقعیت را در روزها ئی که در دانشگاه میز میگذارند همه به راهای العین دیده اند. در این تظار هرات آقای سرهنگ معزی که تصور میکنم تنها نظامی سابق واقعی باشد، سخنرانی کرد ولی چنانکه

تمنا دارم این شرح مختصری را که من از بندهای لوطی غلامحسینی این جنابان خلقی نوشته ام برای عبرت هموطنان نامان ( با متا محفوظ بخاطر درامانمانندن از تعزات خلقی) چاپ فرمائید. من به تحریک حس کنجکاو وی که از زمان خبرنگاری جرایده گذشته، در وجودم لایه دارد، به تماشا ئی تظار هراتی که آقا یا ن مجا هدین خلق روز ۱۹ جون در شهرین برآه انداختند در فتم. ملاحظات و مشاهدات خودم را برای شما مینویسم. اولاً نحوه جمع آوری افراد و ترکیب افراد در شرکت کنندگان بین تظار هرات قابل توجه است. آقا یا ن، از ۱۵ روز پیش از تظار هرات، ضمن بخش اعلامیه در باره برنامهم تظار هرات، در همه شهرهای اطراف به محل سکونت پناهندگان مراجعه کردند و با بیانات فریبنده در باره آزادیخواهی و دمکرات منشی سا زمان، اعلام داشتند که وسیله ای با و ذهابا شهرین مجانی است. با بین ترتیب پناهندگانی که در نهایت عسرت مالی به سر میبرند و به هیچ وجه امکان سفر ندارند، با اینکه غالباً به آقا یا ن هیچگونه سمیاتی ندارند و خیلی هاشان مخالف آنها هستند، برای

### سوء قصد نافر جام

### به جان مسئول نهضت در انگلستان

در لندن تکرار شود. خبرگزاری فرانسه در گزارشی که دو شبیه بیستم ژوئیه به سراسر جهان مخابره کرد نوشت: نهضت مقاومت ملی ایران، سا زمان مخالف رژیم تهران، که یکی از مسئولان آن در لندن بنا ما میرحسین امیر پرویز زنبه گذشته هدف یک سوء قصد نافر جام از سوی هواداران رژیم خمینی قرار گرفت. دیروز دولت انگلستان خواست تا برای حمایت از پناهندگان ایرانی در انگلستان تدا بیره منبیتی اتخاذ گردد. خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری انگلیسی "پرس آسوشین" می نویسد: یکی از مسئولان نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان از تا چخواست تا سفارت جمهوری اسلامی و دفاتر شرکت نفت ملی ایران در لندن را تعطیل کند. به گفته نهضت مقاومت ملی ایران این مکانها آسیانه تروریست ها ئی ست که مخالفان

بقیه از صفحه ۱  
مء موران پلیس اسکا تلندیا رد گهی - درنگ برای بازجویی به بالینس وی رفتند گزارش دادند که جان وی در خطر نیست. فرمانده تیب ضد تروریستی اسکا تلندیا به روزنامه نگاران گفت این سوء قصد جنبه سیاسی دارد و ما احتمال آغا زیگ سلسله عملیات تروریستی در لندن را از نظر دور نمی داریم. ساعتی پس از وقوع انفجار تگهیا سان انقلاب اسلامی در گفت و گوی تلغنی با خبرگزاری "پرس آسوشین" مسئولیت انفجار را بر عهده گرفتند و تهدید کردند که: ما همه مشروطه طلبان را خواهیم کشت هفته نامه های انگلیسی در شماره های یکشنبه ۱۹ ژوئیه خود هشار دادند که آدمکشان با زگشته اند. آن ها از دولت انگلستان خواستند که اجازه دهند سلسله سوء قصد های تروریستی سال گذشته پاریس

### سالروز قیام

### هیجده تیر

بد مناسبت سالروز قیام ملی هجده تیر - ماه ۱۳۵۹ گروه کنییری از هموطنان مادر انریس، به دعوت نهضت مقاومت ملی ایران ساخته وین، در محل خانه ایران گردهم آمدند و با دجان باختن اسقام را گرامی داشتند. مراسم بزرگداشت سواختن سرود مرز پر گهرا آغا زگردید و سپس یکی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران، ضمن اعلام یک دقیقه سکوت، طی سخنانی به تشریح قیام، عمل و انگیزه های آن و تا تیرات و نتایج آن در سکل گیری و اوج یابی مبارزه مبین سرستان علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداخت.



مخبره ۱





دوشنبه ۱۵ تیر

«هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در همینبار نیروی زمینی در تهران، دوباره هتدات را در دکه گرفتگی های خارجی با پرچم آمریکا در خلیج فارس حرکت کنند، جمهوری اسلامی در حمله به آنها درنگ نخواهد کرد.»

سه شنبه ۱۶ تیر

«نخست وزیر فرانسه در مصاحبه با روزنامه لوموند دربارۀ اقدام های که فرانسه در نظر دارد در ارتباط با ما برای وحید کرچی بعمل آورد، گفت: اقدام های گوناگون تا قطع روابط دیپلماتیک را در نظر دارد. وی افزود: من متقدم مذاکره با کسانی که تعهدات و وفای بین المللی را رعایت نمی کنند نمی فایده است.»

چهارشنبه ۱۷ تیر

«محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران طی مصاحبه ای در تلویزیون جمهوری اسلامی اعلام کرد که مدافعین خلیج فارس در آینده نزدیک یک ما نور عملیات انتحاری در دریای عمان، تنگه هرمز و خلیج فارس انجام خواهد داد.»

«به گفته رضائی این برنامۀ سپاه پاسداران که برای مقابله با توطئه آمریکا در خلیج فارس طرح ریزی شده است به تصویب شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی نیز رسیده است.»

پنجشنبه ۱۸ تیر

«سختگویی نخست ویزی فرانسه با ردیگر تا کید کرد ما تسلیم باج خواهی نخواهیم شد و وحید کرچی مترجم سفارت جمهوری اسلامی دربارۀ این پیشنهادها پرس حضوراً بدویه پرس های وی پاسخ گوید، وی افزود دولت فرانسه، باره ای از اعضاء سفارت فرانسه در تهران را تشویق کرده است که به فرانسه بازگردند.»

جمعه ۱۹ تیر

«هاشمی رفسنجانی اعلام کرد جمهوری اسلامی در نظر ندارد روابط سیاسی خود را با فرانسه یا انگلستان قطع کند. مگر آنکه این کشورها در این راه پیشقدم شوند، وی که پس از بیان جلسه شورای عالی دفاع سخن می گفت افزود: ما نمی خواهیم مسأله را پیچیده تر کنیم ولی جمهوری اسلامی در قطع روابط با کشورهای امپریالیستی چیزی از دست نخواهد داد. وی گفت، در اعمال نمایندگان فرانسه نمونه های متعددی از کارهای خلاف مقررات سیاسی از جمله جاسوسی، قاچاق و تماس با مخالفان رژیم اسلامی وجود دارد و جمهوری اسلامی همیشه مایل بوده است که حضور سیاسی کشورهای استعمارگر را در ایران به حداقل کاهش دهد.»

شنبه ۲۰ تیر

«به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، هواپیما های عراقی، طرف سردتست واقع در کردستان ایران را بمباران کردند که در نتیجه تعداد زیادی از اهالی غیر نظامی کشته یا زخمی شدند، هواپیما های عراقی در روز ۲ تیرماه گذشته نیز سردت را با سلاح های شیمیایی مورد حمله قرار دادند که ۶۰ کشته و تعداد زیادی مجروح بجا نهاد.»

یکشنبه ۲۱ تیر

«جمدان یک دیپلمات جمهوری اسلامی بنام محسن امین زاده در بخش فرانسوی گمرک فرودگاه ژنوو دربارۀ زرسی قرار گرفت، در این باره زرسی مداری که محرمانه و رسوا کننده ای دربارۀ رژیم خمینی بدست آمد، عکس برداری ما، مورا ناژا بین مدارک با عت عصیانیت دیپلمات جمهوری اسلامی و ایجا دجنگال در فرودگاه ژنوو گردید.»

دوشنبه ۲۲ تیر

«آندره زیرو وزیر دفاع فرانسه، امروز اعلام کرد که یک کشتی با آری فرانسوی به نام ویل دان ورس "که از کویوت رهسپار بحرین بود، نیمه شب گذشته هدف تاجو های ناشناس در خلیج فارس قرار گرفت و توسط آتشبارها و مسلسل ها به گلوله بسته شد. وزیر دفاع فرانسه افزود فکر نمی کند این حمله به کشتی با ریس- تهران بر سر سفارت خانه های ریگی داشته باشد، ولی نمی توان این احتمال را کاملاً نظر دروداشت.»

سه شنبه ۲۳ تیر

«ساعاتی پس از مصاحبه تلویزیونی فرانسوا میتران که تا کید کرده بود از نظر مقامات قضائی فرانسه وحید کرچی در

روابط با سوئد، تصد های با شیز گذشته با ریس درمظان اتهام است و با پس آمد مورد با زحمتی قرار گیرد، داستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران، کنسول فرانسه در ایران، ژان پیل توری را به اتهام جاسوسی، کمک به خدایان انقلاب فراری و شرکت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، از وضعیت جات به دادگاه انقلاب احضار کرد. در همین حال وزارت خارجه فرانسه در بیانه ای، اتهامات وارد علی ژان پیل توری را رد کرد و اعلام داشت که جمهوری اسلامی در صدد ایجاد "جهت شائبه" مصنوعی در روابط با قضیه وحید کرچی است.»

چهارشنبه ۲۴ تیر

«محسن امین زاده دیپلمات جمهوری اسلامی که در فرودگاه ژنوو مورد ضرب و شتم پلیس در بخش فرانسوی فرودگاه ژنوو قرار گرفته بود، شب گذشته با یک هواپیما ای ایران از ژنوو به سوی تهران ترک گفت، امین زاده در فرودگاه بر روی برانکار حالت بیما رکونه بیی داشت و دچار لرزه های تشنج بود، اما پزشکان بیما رستان اظهار داشتند که دیپلمات خمینی کمدی بازی می کند، زیرا در بیما رستان حالش خوب بود.»

پنجشنبه ۲۵ تیر

«پلیس فرانسه مانع خروج ۱۲ ایرانی از خاک فرانسه شد. این سیزده تن از جمله ۳ دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی می خواستند از مرز زمینی از خاک فرانسه خارج شوند ولی پلیس مانع خروج آنها شد. پلیس این عده را به باریس بازگرداند.»

جمعه ۲۶ تیر

«بدنبال تهدید رژیم خمینی مبنی بر قطع روابط با فرانسه در صورت ادامه محاصره سفارت خانه ها دربارۀ ریس، دولت فرانسه عملیات محاصره سفارت جمهوری اسلامی را پیش از پیش گسترش داد، به گزارش خبرگزاری فرانسه از نیمه شب، توموبیل های متعدد پلیس با تجهیزات قابل ملاحظه و نورافکن های قوی محاصره سفارت خانه جمهوری اسلامی را تحکیم کرد و سراسر خیابان "بنا" و کوچه های مجاور را پررفت و آمد و ساپل نقلیه بست و نزدیک شدن مراجع کنندگان را به سفارت خانه را ممنوع کرد. به رغم ولتیه تاوم ۲۲ ساعت رژیم تهران، تغییر درامه موربست پلیس وجود نیامده و آنها کماکان دستور دادارند و وحید کرچی را برای بازجوئیی تحویل مقامات قضائی دهند. ساعت سیزده امروز دولت فرانسه پیش دستی کرد و روابط با رژیم جمهوری اسلامی

قطع کرد و دیپلمات های جمهوری اسلامی ۵ روز مهلت داد که خاک این کشور را ترک کنند. شش ساعت پس از مسدود اعلامیه رسمی وزارت خارجه فرانسه، رژیم تهران بدون اشاره به تصمیم با ریس اعلام کرد روابط خود را با فرانسه قطع می کند.

شنبه ۲۷ تیر

«علی اکبر محتمشی وزیر کشور جمهوری اسلامی دیروز تمام اعضاء سفارت فرانسه در تهران را به جاسوسی متهم کرد و اعلام کرد پلیس، سفارت فرانسه را در محاصره گرفته است تا دیپلمات های فرانسوی را با زداشت کند و آنها را تحویل دادگاه دهد.»

«وی افزود رژیم تهران اجازت نخواهد داد که یک عده زیر پوشش دیپلماتیک به عملیات جاسوسی و جاسوسداری دست بزنند.»

یکشنبه ۲۸ تیر

«وزیر خارجه فرانسه در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد که دولت فرانسه دربارۀ وحید کرچی مذاکره نخواهد کرد و نامبرده باید از خاک "در باره اسرای با ریس بیرون سوئد" تصد های تروپستی با شیز گذشته فرانسه مورد بازجوئی قرار گیرد.»

«در همین حال به گفته میر حسین موسوی، جمهوری اسلامی از پاکستان تقاضا کرده است که حافظ منافع ایران در فرانسه باشد.»

«سید علی خامنه ای طی سخنانی در شهریز، طرح شورای امنیت دربارۀ ختم جنگ ایران و عراق را رد کرد. وی با ردیگرنا وگان جنگی آمریکا را تهدید کرد که چنانچه در خلیج فارس شوند، در تیریس نیروهای رژیم اسلامی قرار خواهد گرفت.»

دوشنبه ۲۹ تیر

«۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تصویب نهائی طرح ۵ عضده کمی شورای امنیت دربارۀ بیان دادن به جنگ ایران و عراق تشکیل جلسه دادند.»

«سید علی خامنه ای در مصاحبه ای اعلام کرد که کویت به هر گونه حمله جمهوری اسلامی علیه نفتکش های کوییتی یا خارجی در آب های ساحلی کویت به فوریت پاسخ خواهد داد. وی دربارۀ احداث حمله جمهوری اسلامی به یکی از ایازده نفتکش کوییتی که زیر پرچم آمریکا قرار خواهد گرفت گفت: تردید ندارد که آمریکا ایها از پرچم شان دفاع خواهد کرد.»

همانندی عناصر داستان سرایی در داستان های ایرانی و سامی

پرواز کیکاووس و نمرود

آدمی به آسمان است. مسافر هوایی نیز بر تختی (کی کاووس) یا در تابوتی (تابوت دراصل به معنی جعبه و محفظه است) می نشیند و مرغان به سوی (به آرزوی) رسیدن به طعمه بد پرواز می آیند و چون هرگز بدان نمی رسند، تخت یا تابوت را با مسافریا مسافران برمی دارند و به آسمان می برند. در زهای هردو سبب پرواز زنده زرخست کرده اند. اما تابوت نمرود را می طارمی های مروارید نشان است. پرتنگان در داستان کی کاووس عقاب مرغ شکاری و در قصه پرواز نمرود، کرکس، مرغ مردار خوار انتخاب شده است. کاووس خود به تنهایی به آسمان می رود، اما نمرود وزیر خویش را نیز با خود برمی دارد. نیز در قصه نمرود گفته شده است که وی با رها زوزیر بر سبزمین را در زیر پای خویش چگونه می بیند و کوییتی در انتظار آن بود که به ارتفاع خاصی برسد و در آن جا جنگ با خدای ابراهیم را آغاز کند. اما کاووس بی تابانچه از آغا زداستان، و ما جوی فریفته شدن او به فسون پلیس برمی آید، برای گشودن راز سپهر بدین سفر رفت. با این حال، حکیم طوس پس از شرح بر فلک رفتن کاووس فرماید: سنجیدم که کاووس شد بر فلک همی رفت تا برسد بر ملک دگر گفت از آن رفت بر آسمان که تا جنگ سازد بتیر و کمان زهرگوشه ای هست آواز این ندا ندید بر سر کرد را این بریدند بیا روماندند باز چنین باشد آنکس که گدشت از ظاهرا "مطالعی از نوع جنگ ساختن" کاووس به تیسر و کمان، تحت تاثیر شیرا فسانه نمرود در داستان کاووس راه

یافته و اما لاتی ندارد. اما اختلاف های بسیار مهم سرداران دودستان وجود دارد: نتیجه، سفر کاووس بسیار درست تر، و بیشتر موافق عقل و استدلال است، یعنی عقاب ها برای رسیدن به طعمه خویش چندان که می توانند پرواز می کنند تا جایی که پروبالشان از کار می افتد و تخت کاووس و زگون می شود. بهانه کشته شدن او نیز این است که مقدر بوده است سیاه و شازا و در وجود آید. در سفر نمرود، نشانی از سقوط نیست، او به آسمان می رود و با زمی کردد چنان که کوییتی اختیار نمود و نمرود کرکس در دست اوست و مرغان به فرمان وی هستند. در تفصیلهای کده داستان را بشرح تریا زگفته اند، فرود آمدن نمرود چنین توجیه شده است که وی در هنگام برخاستن به آسمان طعمه کرکس را به سبیل یا نیزه ای بر بالای سرایشان آویخت و چون آهنگ فرود آمدن کرد وزیر را گفت تا نیزه ها را از گون کند و طعمه ها را در زیر پای کرکس قرار دهد. بدین ترتیب مرغان آسمان فرود آمدند. گذشته از این نتیجه ای که حکیم طوس از داستان پرواز کاووس می گیرد بسیار معقول و طبیعی است. کاووس در کاوود شکست خورده و از بلند پروازی خویش بشیمان شده و به درگاه و یزید به نیایش ایستاده و وعده کرد که آن خویش را می خواهد: حبل روزی برین یزدان به بای بیمود خاک و بیدار اخت جای همی ریخت از دیدگان آب زرد همی از جهان آفرین یاد کرد ز نرم از درگاخ بیرون نرفت همی پوست گفتمی بر او بر، بگفت (= باره)

سیمان نمد و دردیگزید و درج نهاد به خید بیا رنگ... همی رخ بمالید بر تیره خاک نیاس کنان بیخی یزدان باک حویکدشت یک چند گریان چنین بیخود سوری جهسان آفرین یکی دایوساغت اندر جهان که تا بنده شد بر کبان و مبان... نتیجه ای که نمرود از پرواز خویش می گیرد که "علا" به عکس این است، گفته اند که او آسمان تیری خون آلود باز آورد، "و در قته چنین آمده است که از آن قوم (= قوم نمرود) با نده ها رمودل از نمرود بر گردانیده بودند و به ابراهیم میل کرده بودند. چون نمرود گفت که من خدای آسمان را بگشتم، و تیر خون آلود بشمود، ایشان بنده شدند که راست می گوید و همه کا فر شدند." در داستان های ادبی با عوامانه، بسیاری راه های خیالی دیگر نیز برای پرواز زدا دن آدمیان یافته شده است. نویسنده، این سفوردر گفتاری مقلد کوسیده است تا این راه ها را بررسی کند. این گفتار در مجلد "ایران نامه"، چاپ واشینگتن در زیر عنوان "بویه" پرواز اشتشاریافته است.

یعنی خود را به صورت نوجوانی بر آراست. معنی اصلی غلام "بیر" است که در سال های نوجوانی و جوانی با شد و جمع آن غلمان است. \* دارا قزین: تکه گاه، طارمی \*\*\* خنجر به دوفتح: سنگ، مکر به فتح اول و دوم: کلسوخ و نیزه و روستا را گویند.



# دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی

در شماره های گذشته قسمتی از مذاکرات مصدق را از کتاب بزرگسپهر نقل کردیم. اکنون به قسمت های دیگری از مذاکرات وی در جلسات نوزدهم به بعد می پردازیم.

## از جلسه نوزدهم

دکتر مصدق: بنده هم تذکرات خود را عرض کنم و ملتزم می شوم تا هفتاد و هشتاد روزی را نخواهم. نمی دانم که از کجا شروع کنم؟ از قیام روز چهارم سفند حروف بزنم؟ از علمای نه سفند صحبت کنم؟ از شب ۲۵ مرداد بگویم؟ از روز ۲۸ مرداد صحبت کنم؟ من نمی دانم که هر چه عرض کنم موجب ملال هموطنان است. سرتیپ آزموه در دادگاه قبلی ...

رئیس: دادستان بگویند این عقیده را (دکتر مصدق: اطاعت میکنم) تذکره دادم که اطاعت آقا از دستورات اینجانب به حکم قانون است و صحیح است نه به حکم جبر (دکتر مصدق: اطاعت تیمسار محترم را بایستد اورا دادستان گفت).

دکتر مصدق: تیمسار محترم دادستان محترم، خوب شد؟ در دادگاه قبلی و این دادگاه خواست ثابت کند که من می خواهم سلطنت مشروطه را به جمهوری دموکراتیک تبدیل کنم ولی نتوانست چون حرفهای او و منطق نداشت و بواسطه تذکراتی که من میدادم و به احترام شایسته با ب عرض نمی کنم. اگر به شما دادستان محترم شایسته با شد که با مقدمات تشکیل شورای سلطنتی که آن را هم برای من جرمی دانسته و در کفایت خود است و در گذشته است من خواهان جمهوری دموکراتیک هم بوده ام. اما مشمول ماده ۳۱۷ قانون دادرسی ارتش بشما شنیدم که می گوید می خواهم در برابر ما در دادگاه حاضر شوم. اما بفرمایید بنشینم (و نشست) ولی اگر جمله شرطی است اعتراض نکنید می دانید که این اتهامات را ز نظر انتقام میکانگ است آن را قبول نکنید و بفرمایید خود را ثابت نما کنید. (دکتر مصدق: با اشاره به بلندگو) این را هم باین بیارید تا صدایش درست برسد. من از صدور هر حکم کفایت می آید اما بیایم و هراس ندارم. صدور حکم عدام را هم می توانستند عدام کنند بر ما گوارا تر بود چونکه برای من لذتی نیست که در زندان منجر بشوم و به واسطه وضعیت ناگوار و مجبور شوم خود را انتحار نمایم.

تیمسار محترم (فرمودید) سرتیپ آزموه گفت که من کودتا کرده ام. اگر مقصودا کودتای به معنی اعم است منکر نیستم چون که دست کاری را از زمان کودتا در ایران کشور کونا کرده ام و استعمارگران را از این مملکت رانده ام. ولی اگر مراد کودتای به معنی اخص است یعنی می خواهم سلطنت مشروطه را به جمهوری دموکراتیک تبدیل کنم آن را تذکر می نمایم چون هر کودتایی بدون سابقه ممکن نیست. آیا در ارتش یا شهربانی انفری هست بگویند که من یا یکی از همکارانم یا آنها مواضعی داشته ایم؟

اصل قضیه این است که کاری می خواست مقام از دست رفته خود را بگرداند. در این مملکت برقرار رکنند چون قریب دو قرن در این کشور ریشه دوانیده بود و عمالسی برای آنجا مقرر شده بودند. این بود که اول وقت با وجود اسفند را پیش آورد، چون در نتیجه رسیدن کفایت که باین ارفس فرا رگد. پس از آن دستخط عالی حضرت شاهنشاهی راجع به عزل من صادر شد. چون برخلاف قانون اساسی و صلاح مملکت بود نتیجه نیکو شد. لذا وقایع روز ۲۸ مرداد روی داد و افسران روی اصل اطاعت از ما فوق خانه مرا در زندان کودتا و هر چه از من داشت بردند و اشیاء عسادی را هم برای غارتگری که از کودتاهای جنوب شهر تهران جمع آوری شده بودند گذاشتند و هیچ کس قبول نمی کرد مملکتی که قریب دو قرن در سیاحت این مملکت ریشه داشته، دست از کار بکشد و زمانه فعلی خود صرف نظر کند و برای وضعیت از دست رفته خود اقدامی ننماید و از هر دولتی که روی کار بیاید یکی از چیزهایی که از دست رفته است بگیرد؟ چنانچه دولت اینچنین است استعفاء می نمود و چنانچه در دفع خود را حل مخرج و چنانچه نمی شد دیگر هفتی باقی نمی ماند که نهضت ملی ایران آن را دنبال کند آن وقت می گفتند هفتی بود غیر عملی و دولت رهبر نهضت ملی چون بیدار بل اجرا نیست استعفاء کرد. این بود که من حاضر نشدم منافع خود را به منافع ملت ترجیح دهم و دستخط شاه را که برخلاف قانون اساسی و صلاح مملکت ما در شده بود اجرا کنم و عقیده داشتم که مصالح مملکت بر اجرای فرمان مقدم است. اگر مملکتی باشد از دو مستقل شاه بزرگ مملکت مستقل سلطنت می کند و چنانچه مملکتی باشد صورتاً "مستقل" چه افتخار برای پادشاهی است که در یک چنین کشوری سلطنت کند؟ روز ۲۸ مرداد من می خواستم در خانه بمانم و همانجا بمانم و ولی همکارانم نگذاشتند چنانچه گذشته شده بودیم علمای ۱۹ سفند بر جنازه ما نماز می گذاشتند و دولت هم به این عنوان که شهید شده بودیم مجلس تذکری بر ما می کرد و غافلانه به این طریق خاتمه می یافت، و تا ملت با زهره برانی پیدا کند با ایمان و عقیده مدنی می گذشت و نقشه های ترمیم می شد که ما را بر آن قورن در اسارت بماند.

اکنون می بینم چه خوب شده به قول "تیمسار سرتیپ دادستان از زندان بیرون چهل یله با لافتم و در این مجلس محاکمه مظالمی روشن شده و عده ای از نمایندگان مجلس ۱۸ هم که با مواظقت این دولت به مجلس رفته اند از نهضت ملی ایران دفاعی نمی نمایند. (۱)

آری ایرانیان "ذاتاً" وطن پرستند (با حالت گریه) و به هر وسیله می خواهند راهی پیدا کنند که به وطن خود خدمت نمایند. امیدوارم که مردان خیرخواه و وطن پرست از فداکاری مضایقه نکنند و وطن عزیز خود را از غرقاب بدبختی و مذلت در آورند و به دنیا ثابت کنند که ملت ایران تن به استعمار نخواهد داد و می گوید که مقام تاریخی خود را مجدداً به دست آورد و خود را در دیسلف دول آزاد و مستقل دنیا قرار دهد.

اکنون در جواب بنا به سرکار سرهنگ هوشیار مختصری عرض می کنم سپس به جواب بیانات سرتیپ آزموه "تیمسار سرتیپ دادستان" که در جلسات عبیده دادگاه اظهار نموده می پردازم.

مقارن ورود هیئت نمایندگان ایران در لاهه خبری در جریان آنجا منتشر کردید که فایده آنجا را ملاحظه میفرمایید و سنا نور فعلی اظهار نمود که دکتر مصدق وجهی به او داده که ایشان را مقبول کند. این خبر برای این منتشر شد که بفرمایند آن کسی که در راه هیئت نمایندگان ایران در دیوان بین المللی دادگستری واقع شده خود مجرم و هر چه بگوید بی ارزش است ولی قضا تدبیر چون از تبلیغات نا روای شرکت سابق مطلع و بی غرض بودند در آنجا به هیچ وجه شرکت در دنیا بر آید و قیوم ما را به حقا نیت ایران دادند. من این خبر را برای اینکه بدانند تا کجا حاضرند تبلیغات نا روای بکنند و چنانچه اشخاص راست می آورند که به خادسین مملکت توهین کنند و تا سزا بگویند در همین دادگاه به من توهین و سزا گفتند در آن دادگاه نقل کردم بنی اللها رب هم آن را در جرایم بد روز خوار شده و ما می به من نوشتند است. چون در دادگاه قبلی این مذاکرات شده بود تا ما و راهم در این دادگاه خواستند و تسلیم دفتر دادگاه نمودم و در تمام این مدت که در حبس مجرب بوده ام نشانه سزا بر آنکه زندانی است دیده ام نه با سرکار سرهنگ هوشیار سابقه دارم و نه تا کنون ایشان را دیده ام. تا ما ایشان در دادگاه خوانده شد مردم خود را رب همه از آن اطلاع حاصل کرده اند. اکنون سرکار سرهنگ هوشیار می توانند ورا تعقیب کنند و ما هم که نوشته است در هر دادگاهی حاضر است از خود دفاع کند.

و اما اینکه من گفته ام دولت ایران دولتی است صورتاً مستقل و سرتیپ آزموه - تیمسار دادستان محترم - گفت "مرگ بر مصدق" عرض می کنم ملتی که خداوند نمی داند از آن نیست درجهل مرکب است. البته عمل خارجی را می نمی شوند که ملت بدانند از ادبیت می خواهند همیشه درجهل بمانند تا مراد استغاده خود را با ایشان واقع شود. ملتی که خداوند از ادبیت برای آزادی و استقلال خود تلاش نمی کند و همیشه مجری او آمریکا نگان است. آزادی ملت به حرف نیست. ملت معنی استقلال آن است. که راجع به اصلاح و صواب خود هر تصمیمی که خواست است اتخاذ نماید.

۵۶ نفر از نمایندگان و اجدا کثرت در مجلس ۱۷ در صلاح مملکت استعفا دادند تا مجلس نتواند به دعای بعضی نمایندگان راجع به اینکه به متهمین قتل مرحوم سر لشکر افشار طوس در زندان زجر دادند دولت رهبر نهضت ملی را استیضاح و ساقط کند.

در ساعت ۱۰ و سه ربع تنفس اعلام شد و در ساعت ۱۱ مجدداً جلسه تشکیل گردید و رئیس دادگاه به آقای دکتر مصدق تکلیف کرد دفاع خود را دنبال نماید.

دکتر مصدق: قبل از اینکه بتیاهن عرایض خود را بگویم، چون شما گفتید بگویم دادستان محترم، با وجودی که شما "عقیده ندارم" اما عت کردم، ولی چون فرمودید تا چاره ام، حالا هم چون با صلاحیت دادگاه مخالف هستم می خواهم ببینم می توانم تقاضای فرجام کنم. بکنم. نکنم. البته مراد شماست و کاری نکنید که من خجل و شرمند شوم.

رئیس دادگاه: پس از آنکه آقای دادگاه ما در صلاح گردید آقایان متهمین و دادستان ارتش نسبت به رای ما در مقام قانون دادرسی و کفایت ارتش آزاد دند هر قسم میل دارند عمل کنند.

دکتر مصدق: بسیار خوب تشکر می کنم. بسیار خوب (سپس شروع به ادا به بقیه دفاعیات خود نمود) عده زیادی از این ۵۶ نفر در بسیاری از ادوار رفتند و بنده نماینده مجلس بوده اند که به جرم این استعفا دولت استعفا را در آنجا با یکوت نمود و در هیچ کجا حتی یک نفر از ما را هم نتخاب شد. آیا این بهترین دلیل برای عدم رای ملت و دخالت دولت در نتخاب است؟ در دوره ۱۸ نیست؟ آیا ملتی که نتواند یک نفر از آن نمایندگان را که در صلاح مملکت استعفا دادند نتخاب کند آزاد است؟ همان طوری که یک فردی از افراد گریبی به معنای خود نبرد برای اطلاع خود بگوید و وقت معایب او رفع نمی شود ملت هم که اجتماع افراد است اگر بی به معنای خود نبرد و تشخیص نداد که از ادبیت هیچ وقت روی آزادی را نخواهد دید. ملت اگر در انتخابات خود دخالت نکند و از مشروطیت ما هم قرونی بگذرد نخواهد توانست وکلایی که خادم مملکت باشند و در دفع خود پیروی از سیاست بیگانه نکنند انتخاب کنند. (۲) ملت یا بدان قدر انتخاب کند تا بتواند نسکی که شایسته خدمتگزاران کشورند به مجلس روانه کند. ملت آزاد بود. تیمسار دادستان محترم و امثال او نمی توانستند خادسین مملکت را دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه و محکوم کنند.

این عدا که به دنیا ثابت نمود که ملت ایران آن قدر در فشار است که حتی نمی توانند یک کلام هم راجع به اصلاح مملکت اظهار کنند و فقط به این قناعت کرده است که رویه خدا برود و وسیله اشک از چشمان خود جاری نماید.

ریاست محترم دادگاه، تیمسار دادستان ارتش در آن دادگاه و در این دادگاه بگزار اظهار نمودند که دکتر مصدق ملت ایران را اغفال کرده است. آیا چنین حرفی توهین به ملت شرافتمند ایران نیست؟ دکتر مصدق در یک عمر سیاست خود آنچه گفته و آنچه کرده به صلاح ملت

ایران بوده است. من دروغ نمی گویم (با بیخوشی در گلو) من شنیده ام که مردم این شهر برای گرفتاری من و همکارانم متأسف شدند. اگر دروغ است شما را بین کسانی که اکنون در دادگاه هستند سوال کنید... ببینید راست می گویم یا خلاف؟ بسیار شایسته است که یک دادستانی که با بددینان مع مملکت صحبت کند و یک دادستانی که می گوید من صدای ایرانم آن وقت این صدای ایران چنین اظهاراتی بکنند؟ آیا این صلاح مملکت است؟ آیا چنین مردی ولو اینکه نص قانونی برخلاف دادستانی او نبود شایسته است که در یک چنین دادگاهی از ملت ایران دفاع کند؟ اینها یک مطالبی است که شما تیمسار محترم ما افسران که با بددین همیشه از کشور ایران و از وطن عزیزان دفاع کنید به آن توجه داشته باشید. من از این عرایض هیچ مقصودی ندارم من نهاد حکم دادگاه می ترسم و نه از حرفهای این دادستان هراسی دارم. من آزومی کنم که برای افتخار ایران شربت شهادت بنوشم. اگر چنین عرایض می کنم برای این است که شما افسران ارتش این مملکت در دنیا شرافتمند جلوه کنید. من شنیده ام که یک عده از همین افسران می روند به آمریکا و این افسران می توانند بگویند که ما افسرانی بودیم که در یک دادگاهی که در مملکت را محکوم نمودیم. بخدا نه، والله نه. بخدا اگر این افسران بروند به آمریکا و چنین حرفی بزنند دنیا خواهد گفت که هنوز ملت ایران دارای رشدهای نیست که چنین افسرانی را داشته باشد. شما آقای رئیس دادگاه شما یک عمردار ارتش ایران بوده اید نمی دانم چه می دانید؟ اگر بگویم ۷۰ سال بدتان می آید (خنده) حاضرین (عرض می کنم و شما افسران و شما وطنپرستان، شما کسانی که به نما پندگی ارتش ایران به ما مسریک می روید، طوری بکنید که در آمریکا مورد احترام ما محاسبه آمریکا واقع شوید. (۳)

ملت اگر آزاد بود سرتیپ آزموه و امثال او نمی توانستند به سمت دادستانی حرفهای بزنند که صد مرتبه ضرر مملکت است. آری ملت صورتاً "مستقل" نه می توانند در انتخابات دخالت کنند و به ستوانند که چگونگی انتقال از اوضاع بشما بد. ملت صورتاً "مستقل" آن است که هر تصمیمی در باره او اتخاذ کند سکوت اختیار نکند و اکتیر حسین و تیمسار شیدن سر بریند گوش و ادعای سرتیپ پیشانی که در این ایام معمول شده اظهار نکند. (۴)

## بیوست جلسه نوزدهم دادگاه تجدید نظر نظامی

نطق مهندس کاظم جعفرودی راجع به مبارزات سه ساله ملت ایران صفحه ۲ روزنامه کیهان شماره ۳۲۶۶ سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷

در این مرقع که می خواهم برای اولین بار شروع به سخن کنم به بنده از طرف زعمای قوم توصیه شد که در اول حرفه سیاسی خود در مجلس شورای ملی صحبت نکنم. البته نصیحت بسیار با قلهای سودولی متأسفانه من تا به حال نتوانم بخیلی کوتاهی است. ایران هم احتیاج به فداکاری و مبارزه زیادی دارد. اگر ما که به هر اسم و رسم در خانه مردم جمع شده ایم نخواهیم از اعانت اول وظیفه خود را انجام دهیم، ممکن است فرصت از دست رفته روزی سرافکنده بیرون رویم. من که برای فداکاری در راه حفظ قانون اساسی و حفظ حقوق ایران پا به خانه ملت گذاشته ام فرصت را از دست نمی دهم. عرض امروز قسمتی مربوط به دادگاه است که با بیاناتی که در این مورد در احتیاجی نمی بینم در این باره سخن گویم. قسمت دوم عرایض مربوط به بیاناتی است که در جلسه گذشته مجلس شورای ملی راجع به فداکاری ملت ایران شد.

نهضت ملت ایران: آقایان محترم همیشه باید مردم و نهضت آنان را از مجریان و سانیان و رهبران تفکیک کرد چون مردم خطای نمی کنند ولی مجری ممکن است از نظر تاکنیک گاهی دچار اشتباهی شده و خطا کند. بیاناتی که در جلسه گذشته شد در باره مبارزات و نهضت ملت ایران اکثر اظهار نظری از طرف مجلس شورای ملی نشود به نظر من خطر دیگری مجدداً "ممکن است به بار آورد.

آقایان: نهضت ملی ایران متعلق به مصلحت السلطنه و یا مردم و نیست (عده ای از نمایندگان صحیح است) نهضت ملی ایران در سایه سالها فداکاری پیدا شده، نهضت ملی ایران ریشه دار است. ذکر این مطلب که نهضت ملی ایران متعلق به مصلحت است و نهضت ملت ایران در نتیجه سالها بدبختی و رنج و مصائب ملت ایران پیش آمده و فایده آن قدر بود تا رستاخیز برای ملت ایران پیش آمد و ایادی و کسانسی بودند که از این نهضت و از این فرصت استفاده کردند (خلعت بری: بفرمایید نهضت مقدس ملی ایران (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰) (۱۰۱) (۱۰۲) (۱۰۳) (۱۰۴) (۱۰۵) (۱۰۶) (۱۰۷) (۱۰۸) (۱۰۹) (۱۱۰) (۱۱۱) (۱۱۲) (۱۱۳) (۱۱۴) (۱۱۵) (۱۱۶) (۱۱۷) (۱۱۸) (۱۱۹) (۱۲۰) (۱۲۱) (۱۲۲) (۱۲۳) (۱۲۴) (۱۲۵) (۱۲۶) (۱۲۷) (۱۲۸) (۱۲۹) (۱۳۰) (۱۳۱) (۱۳۲) (۱۳۳) (۱۳۴) (۱۳۵) (۱۳۶) (۱۳۷) (۱۳۸) (۱۳۹) (۱۴۰) (۱۴۱) (۱۴۲) (۱۴۳) (۱۴۴) (۱۴۵) (۱۴۶) (۱۴۷) (۱۴۸) (۱۴۹) (۱۵۰) (۱۵۱) (۱۵۲) (۱۵۳) (۱۵۴) (۱۵۵) (۱۵۶) (۱۵۷) (۱۵۸) (۱۵۹) (۱۶۰) (۱۶۱) (۱۶۲) (۱۶۳) (۱۶۴) (۱۶۵) (۱۶۶) (۱۶۷) (۱۶۸) (۱۶۹) (۱۷۰) (۱۷۱) (۱۷۲) (۱۷۳) (۱۷۴) (۱۷۵) (۱۷۶) (۱۷۷) (۱۷۸) (۱۷۹) (۱۸۰) (۱۸۱) (۱۸۲) (۱۸۳) (۱۸۴) (۱۸۵) (۱۸۶) (۱۸۷) (۱۸۸) (۱۸۹) (۱۹۰) (۱۹۱) (۱۹۲) (۱۹۳) (۱۹۴) (۱۹۵) (۱۹۶) (۱۹۷) (۱۹۸) (۱۹۹) (۲۰۰) (۲۰۱) (۲۰۲) (۲۰۳) (۲۰۴) (۲۰۵) (۲۰۶) (۲۰۷) (۲۰۸) (۲۰۹) (۲۱۰) (۲۱۱) (۲۱۲) (۲۱۳) (۲۱۴) (۲۱۵) (۲۱۶) (۲۱۷) (۲۱۸) (۲۱۹) (۲۲۰) (۲۲۱) (۲۲۲) (۲۲۳) (۲۲۴) (۲۲۵) (۲۲۶) (۲۲۷) (۲۲۸) (۲۲۹) (۲۳۰) (۲۳۱) (۲۳۲) (۲۳۳) (۲۳۴) (۲۳۵) (۲۳۶) (۲۳۷) (۲۳۸) (۲۳۹) (۲۴۰) (۲۴۱) (۲۴۲) (۲۴۳) (۲۴۴) (۲۴۵) (۲۴۶) (۲۴۷) (۲۴۸) (۲۴۹) (۲۵۰) (۲۵۱) (۲۵۲) (۲۵۳) (۲۵۴) (۲۵۵) (۲۵۶) (۲۵۷) (۲۵۸) (۲۵۹) (۲۶۰) (۲۶۱) (۲۶۲) (۲۶۳) (۲۶۴) (۲۶۵) (۲۶۶) (۲۶۷) (۲۶۸) (۲۶۹) (۲۷۰) (۲۷۱) (۲۷۲) (۲۷۳) (۲۷۴) (۲۷۵) (۲۷۶) (۲۷۷) (۲۷۸) (۲۷۹) (۲۸۰) (۲۸۱) (۲۸۲) (۲۸۳) (۲۸۴) (۲۸۵) (۲۸۶) (۲۸۷) (۲۸۸) (۲۸۹) (۲۹۰) (۲۹۱) (۲۹۲) (۲۹۳) (۲۹۴) (۲۹۵) (۲۹۶) (۲۹۷) (۲۹۸) (۲۹۹) (۳۰۰) (۳۰۱) (۳۰۲) (۳۰۳) (۳۰۴) (۳۰۵) (۳۰۶) (۳۰۷) (۳۰۸) (۳۰۹) (۳۱۰) (۳۱۱) (۳۱۲) (۳۱۳) (۳۱۴) (۳۱۵) (۳۱۶) (۳۱۷) (۳۱۸) (۳۱۹) (۳۲۰) (۳۲۱) (۳۲۲) (۳۲۳) (۳۲۴) (۳۲۵) (۳۲۶) (۳۲۷) (۳۲۸) (۳۲۹) (۳۳۰) (۳۳۱) (۳۳۲) (۳۳۳) (۳۳۴) (۳۳۵) (۳۳۶) (۳۳۷) (۳۳۸) (۳۳۹) (۳۴۰) (۳۴۱) (۳۴۲) (۳۴۳) (۳۴۴) (۳۴۵) (۳۴۶) (۳۴۷) (۳۴۸) (۳۴۹) (۳۵۰) (۳۵۱) (۳۵۲) (۳۵۳) (۳۵۴) (۳۵۵) (۳۵۶) (۳۵۷) (۳۵۸) (۳۵۹) (۳۶۰) (۳۶۱) (۳۶۲) (۳۶۳) (۳۶۴) (۳۶۵) (۳۶۶) (۳۶۷) (۳۶۸) (۳۶۹) (۳۷۰) (۳۷۱) (۳۷۲) (۳۷۳) (۳۷۴) (۳۷۵) (۳۷۶) (۳۷۷) (۳۷۸) (۳۷۹) (۳۸۰) (۳۸۱) (۳۸۲) (۳۸۳) (۳۸۴) (۳۸۵) (۳۸۶) (۳۸۷) (۳۸۸) (۳۸۹) (۳۹۰) (۳۹۱) (۳۹۲) (۳۹۳) (۳۹۴) (۳۹۵) (۳۹۶) (۳۹۷) (۳۹۸) (۳۹۹) (۴۰۰) (۴۰۱) (۴۰۲) (۴۰۳) (۴۰۴) (۴۰۵) (۴۰۶) (۴۰۷) (۴۰۸) (۴۰۹) (۴۱۰) (۴۱۱) (۴۱۲) (۴۱۳) (۴۱۴) (۴۱۵) (۴۱۶) (۴۱۷) (۴۱۸) (۴۱۹) (۴۲۰) (۴۲۱) (۴۲۲) (۴۲۳) (۴۲۴) (۴۲۵) (۴۲۶) (۴۲۷) (۴۲۸) (۴۲۹) (۴۳۰) (۴۳۱) (۴۳۲) (۴۳۳) (۴۳۴) (۴۳۵) (۴۳۶) (۴۳۷) (۴۳۸) (۴۳۹) (۴۴۰) (۴۴۱) (۴۴۲) (۴۴۳) (۴۴۴) (۴۴۵) (۴۴۶) (۴۴۷) (۴۴۸) (۴۴۹) (۴۵۰) (۴۵۱) (۴۵۲) (۴۵۳) (۴۵۴) (۴۵۵) (۴۵۶) (۴۵۷) (۴۵۸) (۴۵۹) (۴۶۰) (۴۶۱) (۴۶۲) (۴۶۳) (۴۶۴) (۴۶۵) (۴۶۶) (۴۶۷) (۴۶۸) (۴۶۹) (۴۷۰) (۴۷۱) (۴۷۲) (۴۷۳) (۴۷۴) (۴۷۵) (۴۷۶) (۴۷۷) (۴۷۸) (۴۷۹) (۴۸۰) (۴۸۱) (۴۸۲) (۴۸۳) (۴۸۴) (۴۸۵) (۴۸۶) (۴۸۷) (۴۸۸) (۴۸۹) (۴۹۰) (۴۹۱) (۴۹۲) (۴۹۳) (۴۹۴) (۴۹۵) (۴۹۶) (۴۹۷) (۴۹۸) (۴۹۹) (۵۰۰) (۵۰۱) (۵۰۲) (۵۰۳) (۵۰۴) (۵۰۵) (۵۰۶) (۵۰۷) (۵۰۸) (۵۰۹) (۵۱۰) (۵۱۱) (۵۱۲) (۵۱۳) (۵۱۴) (۵۱۵) (۵۱۶) (۵۱۷) (۵۱۸) (۵۱۹) (۵۲۰) (۵۲۱) (۵۲۲) (۵۲۳) (۵۲۴) (۵۲۵) (۵۲۶) (۵۲۷) (۵۲۸) (۵۲۹) (۵۳۰) (۵۳۱) (۵۳۲) (۵۳۳) (۵۳۴) (۵۳۵) (۵۳۶) (۵۳۷) (۵۳۸) (۵۳۹) (۵۴۰) (۵۴۱) (۵۴۲) (۵۴۳) (۵۴۴) (۵۴۵) (۵۴۶) (۵۴۷) (۵۴۸) (۵۴۹) (۵۵۰) (۵۵۱) (۵۵۲) (۵۵۳) (۵۵۴) (۵۵۵) (۵۵۶) (۵۵۷) (۵۵۸) (۵۵۹) (۵۶۰) (۵۶۱) (۵۶۲) (۵۶۳) (۵۶۴) (۵۶۵) (۵۶۶) (۵۶۷) (۵۶۸) (۵۶۹) (۵۷۰) (۵۷۱) (۵۷۲) (۵۷۳) (۵۷۴) (۵۷۵) (۵۷۶) (۵۷۷) (۵۷۸) (۵۷۹) (۵۸۰) (۵۸۱) (۵۸۲) (۵۸۳) (۵۸۴) (۵۸۵) (۵۸۶) (۵۸۷) (۵۸۸) (۵۸۹) (۵۹۰) (۵۹۱) (۵۹۲) (۵۹۳) (۵۹۴) (۵۹۵) (۵۹۶) (۵۹۷) (۵۹۸) (۵۹۹) (۶۰۰) (۶۰۱) (۶۰۲) (۶۰۳) (۶۰۴) (۶۰۵) (۶۰۶) (۶۰۷) (۶۰۸) (۶۰۹) (۶۱۰) (۶۱۱) (۶۱۲) (۶۱۳) (۶۱۴) (۶۱۵) (۶۱۶) (۶۱۷) (۶۱۸) (۶۱۹) (۶۲۰) (۶۲۱) (۶۲۲) (۶۲۳) (۶۲۴) (۶۲۵) (۶۲۶) (۶۲۷) (۶۲۸) (۶۲۹) (۶۳۰) (۶۳۱) (۶۳۲) (۶۳۳) (۶۳۴) (۶۳۵) (۶۳۶) (۶۳۷) (۶۳۸) (۶۳۹) (۶۴۰) (۶۴۱) (۶۴۲) (۶۴۳) (۶۴۴) (۶۴۵) (۶۴۶) (۶۴۷) (۶۴۸) (۶۴۹) (۶۵۰) (۶۵۱) (۶۵۲) (۶۵۳) (۶۵۴) (۶۵۵) (۶۵۶) (۶۵۷) (۶۵۸) (۶۵۹) (۶۶۰) (۶۶۱) (۶۶۲) (۶۶۳) (۶۶۴) (۶۶۵) (۶۶۶) (۶۶۷) (۶۶۸) (۶۶۹) (۶۷۰) (۶۷۱) (۶۷۲) (۶۷۳) (۶۷۴) (۶۷۵) (۶۷۶) (۶۷۷) (۶۷۸) (۶۷۹) (۶۸۰) (۶۸۱) (۶۸۲) (۶۸۳) (۶۸۴) (۶۸۵) (۶۸۶) (۶۸۷) (۶۸۸) (۶۸۹) (۶۹۰) (۶۹۱) (۶۹۲) (۶۹۳) (۶۹۴) (۶۹۵) (۶۹۶) (۶۹۷) (۶۹۸) (۶۹۹) (۷۰۰) (۷۰۱) (۷۰۲) (۷۰۳) (۷۰۴) (۷۰۵) (۷۰۶) (۷۰۷) (۷۰۸) (۷۰۹) (۷۱۰) (۷۱۱) (۷۱۲) (۷۱۳) (۷۱۴) (۷۱۵) (۷۱۶) (۷۱۷) (۷۱۸) (۷۱۹) (۷۲۰) (۷۲۱) (۷۲۲) (۷۲۳) (۷۲۴) (۷۲۵) (۷۲۶) (۷۲۷) (۷۲۸) (۷۲۹) (۷۳۰) (۷۳۱) (۷۳۲) (۷۳۳) (۷۳۴) (۷۳۵) (۷۳۶) (۷۳۷) (۷۳۸) (۷۳۹) (۷۴۰) (۷۴۱) (۷۴۲) (۷۴۳) (۷۴۴) (۷۴۵) (۷۴۶) (۷۴۷) (۷۴۸) (۷۴۹) (۷۵۰) (۷۵۱) (۷۵۲) (۷۵۳) (۷۵۴) (۷۵۵) (۷۵۶) (۷۵۷) (۷۵۸) (۷۵۹) (۷۶۰) (۷۶۱) (۷۶۲) (۷۶۳) (۷۶۴) (۷۶۵) (۷۶۶) (۷۶۷) (۷۶۸) (۷۶۹) (۷۷۰) (۷۷۱) (۷۷۲) (۷۷۳) (۷۷۴) (۷۷۵) (۷۷۶) (۷۷۷) (۷۷۸) (۷۷۹) (۷۸۰) (۷۸۱) (۷۸۲) (۷۸۳) (۷۸۴) (۷۸۵) (۷۸۶) (۷۸۷) (۷۸۸) (۷۸۹) (۷۹۰) (۷۹۱) (۷۹۲) (۷۹۳) (۷۹۴) (۷۹۵) (۷۹۶) (۷۹۷) (۷۹۸) (۷۹۹) (۸۰۰) (۸۰۱) (۸۰۲) (۸۰۳) (۸۰۴) (۸۰۵) (۸۰۶) (۸۰۷) (۸۰۸) (۸۰۹) (۸۱۰) (۸۱۱) (۸۱۲) (۸۱۳) (۸۱۴) (۸۱۵) (۸۱۶) (۸۱۷) (۸۱۸) (۸۱۹) (۸۲۰) (۸۲۱) (۸۲۲) (۸۲۳) (۸۲۴) (۸۲۵) (۸۲۶) (۸۲۷) (۸۲۸) (۸۲۹) (۸۳۰) (۸۳۱) (۸۳۲) (۸۳۳) (۸۳۴) (۸۳۵) (۸۳۶) (۸۳۷) (۸۳۸) (۸۳۹) (۸۴۰) (۸۴۱) (۸۴۲) (۸۴۳) (۸۴۴) (۸۴۵) (۸۴۶) (۸۴۷) (۸۴۸) (۸۴۹) (۸۵۰) (۸۵۱) (۸۵۲) (۸۵۳) (۸۵۴) (۸۵۵) (۸۵۶) (۸۵۷) (۸۵۸) (۸۵۹) (۸۶۰) (۸۶۱) (۸۶۲) (۸۶۳) (۸۶۴) (۸۶۵) (۸۶۶) (۸۶۷) (۸۶۸) (۸۶۹) (۸۷۰) (۸۷۱) (۸۷۲) (۸۷۳) (۸۷۴) (۸۷۵) (۸۷۶) (۸۷۷) (۸۷۸) (۸۷۹) (۸۸۰) (۸۸۱) (۸۸۲) (۸۸۳) (۸۸۴) (۸۸۵) (۸۸۶) (۸۸۷) (۸۸۸) (۸۸۹) (۸۹۰) (۸۹۱) (۸۹۲) (۸۹۳) (۸۹۴) (۸۹۵) (۸۹۶) (۸۹۷) (۸۹۸) (۸۹۹) (۹۰۰) (۹۰۱) (۹۰۲) (۹۰۳) (۹۰۴) (۹۰۵) (۹۰۶) (۹۰۷) (۹۰۸) (۹۰۹) (۹۱۰) (۹۱۱) (۹۱۲) (۹۱۳) (۹۱۴) (۹۱۵) (۹۱۶) (۹۱۷) (۹۱۸) (۹۱۹) (۹۲۰) (۹۲۱) (۹۲۲) (۹۲۳

ایران را در مجمع بین المللی فاتح کرد و مورد تأیید ما بوده (تیمورتاش: در زمان خودش) در هر موقع که این عمل بنویسد برای آن دوره سال لای که متعلق به مردم ایران است به هیچ وجه ساهتی به ادوار منحوس تاریخ ما ندارد (... جنجال، همبمه... فریاد عده‌ای تاریخ ایران موجب افتخار است چرا توهین می‌کنند... پس از این جنجال) دوره جنگی دوره منحوس است، جنگی دوره سیا می است. در هر دوره هم کارهای خوب می نمودن قسمت که مربوط به نسبت مقدس ملت ایران است و در هر عهده و زمان با سدهمینه مقدس است و تمام طبقات با بدبلا تشنه از این نهضت پیروی کنند (۷).

### از جلسه بیستم

دکتر مصدق: ریاست محترم دادگاه تیسما و سر تیسما دادستان در دادگاه همدوی از این سیاست بیرونی می کرد که دادستان را تهدید کند و دادستان و رئیس دادگاه از نظر من جلوگیری کنند تا من نتوانم جواب بیا نماند بی‌مدرک و اوردن دادگاه عرض نمایم، به این طریق موفق شد که حکم محکومیت مرا از آن دادگاه صادر کند ولی در این دادگاه رئیس هست که غیر از رعایت قانون دادرس است ارتش و مقررات دادگاه توجهی به حرفهای تیسما و سر تیسما نداشتند. دادستان از این جهت که نمی‌تواند جلوگیری از نظر من که هیچ وقت برخلاف مصالح مملکت نهد در این دادگاه بلکه در هیچ کجا نکرده ام جلوگیری کند متأسفانه است. تیسما و سر تیسما دادستان بر طبق آئین دادرس است و آنچه که توانست گفت و هر بنا سزا شستی که می‌دانست نسبت به من اظهار نمود. من از نظر این که یک زندانی هستم و یک فردی کسی هستم که در این زندان بسر می‌برم تمام گفته‌های او را تحمل کردم و آنچه که ریاست محترم دادگاه فرمودید به آن عمل نمودم. فرمودید: «تیسما و سر تیسما از زوده گفتیم تیسما و سر تیسما دادستان (۸) آنچه را شما در این دادگاه گفته‌اید من تمام بیاناتتان را نصب العین خود قرار داده‌ام. حرف دادستان تمام شد نسبت به آخرین دفاع رسید. من هم بدطوری که فرمودید مطالبی با شد که غیر مفید تشخیص داده نشود و من باب مثال فرمودید: «گوشا هتا مفرودسی خوانده شود مستقیماً نسبت به یک متهمی انری نداد آنچه عرض کرده‌ام مطابق نظریات دادگاه فرمودید است. البته دادگاه ما باید دقیقاً گفته شود. موقتی که دیروز بر عرض رساندم که در این اواخر معمول شده است (زنگ رئیس مربوط به دادگاه نیست). دکتر مصدق: اجازه نمی‌دهید چشم من شرح وقایع دیروز را در اوقات می‌دهم نمی‌گذاردید بسیار خوب. بنده می‌باید ندا ر بکنم. هیچ عرضی ندا ر م هر کاری می‌خواهید بکنید. رئیس دادگاه: آقای دکتر مصدق شما آزاد هستید که در مورد سزای داده‌شده مورد دفاعی دادستان ارتش هر دفاعی که بخواهید بکنید، بر عرض این که کسی در دستگاه انتظامی مورد تعقیب قرار گرفته‌ایم تنبیهی به حق یا ناقص در باره او اجراء شده مربوط به آقایان متهمین حاضر در این دادگاه نیست. آنچه مورد دفاعی دادستان ارتش بوده در اطراف هر یک از آن مواد گروزی می‌توانی سخن بگویند. دادگاه حاضر است استماع نماید ولی خارج شدن از موضوع و تنقیح کردن بحق یا ناقص از هیچ کس و هیچ مقامی که مربوط به ما است شما نباید نمودند. چنانچه دیروز هم گفتید که در دادگاه این که جمع کرده‌اید است هر چه را برای دفاع خود مفید میدانید بگویند یا توجه به کلمه متهم و دفاع مسلمان است که منظورقا نونگذا ر این بوده آنچه تیسما و سر تیسما در دادگاه دادند. تیسما و سر تیسما می‌کنند مربوط به آنها می‌باشد. حسن یا تقی چرا و کیل نشده اند رسیدگی به این امر مربوط به دادگاه نیست. بطوری هم به آنها می‌گفته‌ام و در ساحت و مورد دفاعی تیسما و سر تیسما در ارتش است ندا ر.

هیئت دادگاه برای این تشکیل شده که بشنود و تحقیق کند چرا بعضی‌ها در این دوره مجلس انتخاب شده‌اند و عده‌ای نشده‌اند. دادگاه برای این نیست که ببیند و رسیدگی کند که شایه منزل شما را که مدعی هستید کسی برده است؟ صراحتاً می‌گویم که اگر چندین روز هم در مورد دادگاه ما ۱۳ گانه سخن بفرمایید که مربوط به آن اتهامات با شما ما ضمیمه استماع کنیم. اینک با توجه به این مراتب به دفاع خود دادگاه مه‌دهید. مطالبی دیروز عنوان کردید، دیگر تجدید عنوان آن مطلب که به هیچ وجه ارتباطی با دفاع ندا ر دیبموردا است. دکتر مصدق: چه شد که بنده آن مطلب را در این دادگاه عرض کردم چون مذاکراتی که در دادگاه می‌شود مربوط به مذاکراتی است که قبلاً شده است. بنده عرض کردم

که ما دو جور دولت داریم یکی دولت صورتاً مستقل و دیگری معنماً مستقل و تیسما و سر تیسما مرگ بر مصدق. روی این اصل بنده لازم شد عرض کنم که جریان استقلال ما از چه قرار است. اگر عرض نمی‌کردم و اگر توضیح نمی‌دادم مردم مملکت مرا یک خائنی تصور می‌کردند من ناچار بودم که عرض بکنم: تا ملت نداند که مستقل نیست هیچ وقت برای استقلال خود قدمی بر نمی‌دارد. اگر یک چنین عرضی که مربوط به آن بیانات ایشان و مرگ بر مصدق است نیست البته بنده هر چه عرض کرده‌ام بیجا و بی‌مورد عرض کرده‌ام ولی اگر هست و اگر صلاح مملکت در این بوده که آن نظریاتی که عرض کرده‌ام تا توضیح بدهم تا هموطنان آگاه شوند در این صورت ایشان حق نداشته برخلاف قانون برخیزند و بی‌بند و بیدار جلوسه سری کنند و امروز هم در نا مه خود دلایل سری بودن جلسه را که یک فرد از افراد این مملکت قبول نمی‌کنند بنویسد و در این دادگاه هتراضت شود. ریاست محترم دادگاه یکی از چیزهایی که برای وقایع روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد لازم بود تحقیقات از اسخامی بود که شب ۲۵ مرتکب آن عملیات شده‌اند. اگر بفرمایید که آن عملیات در وقایع روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد هم شریب بوده است فرمایش برخلاف انصاف فرموده‌اید. دادگاه هنوز است همان طوری که سر تیسما و سر تیسما احضار شد و تحقیقاتی از او بعمل آمد از آن اشخاص

همشوا لاتی بشود و آنها بگویند برای حق وید حکم کی، قانون اساسی و قانون مجازات عمومی را نقض کردند. ریاست محترم دادگاه من با لصر اچه عرض می‌کنم که من کسی نیستم که اگر دادگاه رسیدگی کند از عرض حق باقی خود را می‌کنم من با یحقاً یق را به عرض دادگاه می‌رسانم و دادگاه آزاد است که به عرض من ترتیب اثر بدهد یا ندهد. اگر به من آزادی دفاع می‌دهید از خود دفاع می‌کنم و اگر نمی‌دهید بر طبق ماده ۱۹۴ که می‌گوید متهم آزاد است در دفاع خود هر چه می‌خواهد بگوید چگون آزاد نیستم دیگر دفاع نمی‌کنم و در این باره عت بدجای خود می‌نشینم. اجازه بدهید متهم ردیف ۲ و وکیل او از خود دفاع کنند و بعد از آن مبارک را ما در فرما بیا بیا بدهد. دادگاه را اجرا می‌کنم، من حرف و صریح عرض می‌کنم ممکن نیست در دادگاه می‌گفته‌ام می‌شود از خود دفاع نکنم. اگر حرفی، عرضی برخلاف مصالح مملکت گفتیم آن وقت آن مرد سر ما با آن کبیضی داغون کند یا لا که اسلحه دستش نیست. حرف و صریح گفته می‌نشینم و یک کلام از خود دفاع نمی‌کنم و در این باره می‌کنید اگر خود را زوی اجبار نخواهم هم مورین اجرا می‌کنند. رئیس دادگاه: مکرر در مکرر در تمام جلسات گفتیم که متهمین در دفاع خود در دادگاه آزاد هستند، امروز هم بطور مشروح تذکر دادیم شما در دفاع آزاد هستید. یعنی هر چه دفاع می‌کنید یا بد مربوط به مورد است یا ما شادوبه کسی یا شخصی یا مقامی توهین نشود. اینک برای آخرین دفعه به حکم قانون تکلیف می‌کنم که هر چه برای دفاع خود از آنها ما مورد دفاعی تیسما و سر تیسما را ارتش لازم می‌دانید بیان فرمایید و در صورتی که از دفاع استنکاف کنید دادگاه به وظیفه خود عمل خواهد نمود. (قرائت تذکر قبلی بوسیله متنی).

دکتر مصدق: برای آخرین مرتبه چند کلمه عرض کنم. بیانات ریاست محترم دادگاه امروز با روزهای قبیل فرق کرده است. امروز ما محدود می‌کنید به غیر خواست که در حدود کفیر خواست صحبت کنیم در صورتیکه روزهای قبل می‌فرمودید هر چه را که متهم در صلاح خود می‌دانست می‌تواند اظهار کند مشروط بر این که برخلاف مصالح مملکت نباشد و این را بقول آقایان فراموش کردیم ما لایا شدا بین یک کلمه را در بیرون دادگاه اکر می‌دانم آمد خدمت جناب عالی عرض می‌کنم. بنده همین طوری که با دادگاه کشیده‌ام آن نطق‌ها هست اگر اجازه بدهید عیناً قرائت می‌کنم. تیسما و سر تیسما دادستان به من نسبت همکار می‌باشند و در این که در کفیر خواست نیست. اگر من در این باب عرض کنم از خود دفاع کرده‌ام من آنچه‌ها نمی‌گویند نفع من است حق دارم عرض کنم حالا شما نظراتان تغییر کرده بنده عرضی ندا ر و هیچ عرضی ندا رم به تکلیف خودتان عمل کنید.

رئیس دادگاه: آقای دکتر مصدق در مورد اینکه فرمودید تصرف در مورد دفاع با گذشته تغییر نموده صحیح نیست نظر من به حکم قانون همان است که گفته‌ام ولی متهمین نباید از این بیان من سوء استفاده کنند. در جلسه دیروز از این بیان سابق من سوء استفاده شد و ما استعمال کلمه لفظ جمع در حضور شما تا چنان گفتید که افسران ارتش یعنی عموم افسران ارتش منزل مسرا غایت نمودند. چنانچه در مورد کلمه رجل و رجال روزی بحث می‌فرمودید و تشریح کردید که رجل مفرد است و رجال جمع من هم می‌گویم افسر مفرد است و افسران جمع. آیا انصاف است؟ و چنان شما را حجت است که به جمع کثیری از افراد این کشور که خود را خدمتگزار این مردم می‌دانند بسدون استثناء نسبت غارتگری بدهید. من یکی از آن افسران ارتش و این تیسما و سر تیسما را در دادستان جزو همان جا معسه افسرانند. ما غارتگری نه شما بودیم؟ البته اجازه نمی‌دهم به شما و نه به متهم دیگر چنین آهان می‌باشند. توهان افسران که در خود را فدای حفظ استقلال این مملکت نمودند و می‌کنند و افتخار به این ماء موریت مقدس دارند بکنند. به لفظ جمع گفتید اهل جنوب شهر خانه‌ها را غارت کردند.

اهالی جنوب شهر مردمان زحمت کش این کشورند. مردمانی هستند که زحمت اهالی شهر محروم مردم‌مانی هستند که با دسترنج روزانه خود لقمه نانی می‌خورند و قدرت تهیه دوا و وسایل اطفال خود ندارند.

من رئیس دادگاه اجازه دهم به مدعا را اهل جنوبی شهر که من به همه آنها احترام می‌گذارم که با زحمت روزانه رفح احتیاجی بومیه خود را می‌کنند آن وقت به لفظ جمع گفته‌اید و تکرار. آیا طرح چنین موضوعی نسبت غارتگری به افسران جنوب شهر اثری در دادگاه شما می‌تواند داشته باشد؟ دادستان ارتش است و چنانچه صدیق می‌فرمایید که در دادگاه شما دفاع کنید در مورد پیشه‌وری حق دارید هر دفاعی دارید بگویند چون دادستان ارتش عنوان کرده‌اند از خود دفاع کنید. در هر مورد دادستان آن را مدرک قرار داده با تقریب گرفته و خواسته با استفاده از آن قرائت و مدارک که بحق یا ناقص اتهام منسوب به شما ثابت کند حق دفاع دارید. اینک نیز می‌گویم در حدود این توضیحاتی که دادم دفاع خود را شروع کنید. چنانچه نفرما شیده دنیا اعلام می‌کنم که چون قعدا هانت به ملت ایران و به افسران ارتش داد شتید و وکیل خود شما مکلف است از جناحی دفاعی که داد و اگر ایشان هم استنکاف کردند دادگاه به وظیفه قانونی خود عمل خواهد کرد.

در ساعت ۱۱ جلسه بعنوان تنفس تعطیل و در ساعت ۱۱/۱۵ مجدداً جلسه تشکیل شد.

رئیس دادگاه: آقای دکتر مصدق در جواب هر یک از اظهارات دادستان ارتش هر چه برای دفاع لازم دارید بیان فرمایید.

دکتر مصدق: ریاست محترم دادگاه از بیاناتی که فرمودید من خیلی متأسفم. چرا؟ برای اینکه شخصی تیسما و سر تیسما را بجا نیا ورده‌اند یعنی دادگاه من چه هستم چه فکرمی‌کنم و چه هدفی دارم. من زندگی را به هیچ می‌شمارم. با کسانی که زندگی را به هیچ می‌شمارند

با بدو دیگری صحبت کرد. فرمودید که من به افسران بدون استثناء توهین کردم. عرض می‌کنم که صورت جلسات برای همین تنظیم می‌شود که به کسی آنچه نگفته است نسبت ندهند. بفرمایید آن قسمت از صورت جلسات که بنده به عموم افسران و هموطنان عزیز خودم توهین کرده‌ام قرائت کنند. اگر من چنین عرضی کرده باشم آن وقت هر چه بفرمایید صحیح است. بنده بی‌گناه دارم که افسران روی بیانات حضرت عالی نسبت به من بی‌لطف شوند زیرا آنها تابع حکم هستند اگر برادر من هم در میان این افسران باشد وقتی که حکم کنند دکتر مصدق را اعدا کنید خواهد کرد. بنا بر این دوستی دشمنی افسران برای من تفاوتی ندارد خصوصاً اینکه از مرگ به هیچ وجه هراسی ندارم. این بود آنچه به مسئله افسران و ما اینکه فرمودید من به ساکنین تهران هموطنان عزیز من احترامی کرده‌ام و گفته‌ام اینها آمده اند خانه مرا غارت کرده اند عرض می‌کنم اگر کاری بشود چیزی نگویم مثل این است که بنده بی‌گناه اگر کاری نشود ولی بگویم مثل این است که بنده بی‌گناه را که به عقیده تیسما و سر تیسما را در دادستان گرفتار است و بنایا بی‌گناه دست بگیرم می‌خواهم چه می‌گوید؟ (دکتر مصدق به فرانسوی از روزنامه فرانسوا گفت کرد) این بسود متن فرانسوی این روزنامه. حال روزنامه افسران را به فرانسوی می‌خوانم: «این عمل بواسطه ۳۰۰ و لگورد که در کودلای شهر تهران جمع آوری شده بود صورت گرفت و به هر یک ۵۰۰ فرانک دادند که هر قدر می‌خواهند غارت کنند. پلیس و ارتش مثل یک واحد عقب آنها بودند.» حال که در این مملکت به اینجا رسیده که در یک اقلیتی بنشینیم و هیچ جایی را نگاه نکنیم و هر چه را که بین اشخاص متعلق می‌گویند را قبول کنیم و تصور کنیم که این تملق در دفعه است. این ضرب المثل ایرانی را عرض می‌کنم: دوست آن است که بگیرد، دشمن آن است که بخندد. دوست آن است که عیب شخصی را در جلوی روی دوست بگوید تا آن شخص توجه بکند و کاری که بد است نکند. این را می‌گویند دوستی است. دشمن آن است که تملق بگوید. تعریف کند اغفال کند و شخص را به جایی ببرد که نداند همیشه دا شتابا شونده راه

س. ریاست محترم دادگاه. من همدو جلسه‌ای دیدم. در مجلس شورا دیدم که کاراگان را لیا س عرض کرده‌اند. نظامیان را لیا س سیویل بوشا نیدنند و به مجلس آوردند. چرا این کار کردند؟ برای اینکه از من بترسند می‌ترسیدند. بدیهی است یک افسری یک ما حب مندی که لیا س او را عوض کنند و تحت امر ما شدمی آید آنجا مثل مجسمه می‌نشینند و نگاه می‌کنند ولی اگر ملتی بود اظها را حساسات می‌کنند و هر کس که بخوابد حساسات یک ملتی را بخوابد ندرخت به آن ملت کرده است. کلمه‌ای که تیسما و سر تیسما در نظر فرمودید چیزی که منافی اخلاق باشد نگویم. این عین بیانات تیسما و سر تیسما است.

بنده در این دادگاه عرض کرده‌ام و در هر حوزة و هر جلسه این مسئله رویه من بوده که چیزی منافی اخلاقیات نگویم. من عرض می‌کنم تیسما و سر تیسما دیگر متاسب قضاوت ندا رم. اگر شما به آن زده‌ایم از من بترسیدم دفاع می‌کنم اگر نمی‌دهید (رئیس دادگاه: اجازة داده می‌شود) و البته به حق خدا حکم محکومیت را فرما از افتخاری می‌دانم و زودتر راحت می‌شوم. بیش از این عرض نمی‌کنم. اگر اجازه می‌دهید از خود دفاع کنید.

رئیس دادگاه: به شما اجازه دفاع داده‌اند. دکتر مصدق: به این شرط که تیسما و سر تیسما در بنخیزد حرف بزند. حق ندا ر. اگر نمی‌خواهید جلوسه را سسری کنید.

رئیس دادگاه: به دفاع خود شروع کنید. دکتر مصدق: بعله (بله) چشم، چشم، اجازه بدهید بنشینم. رئیس دادگاه: بفرمایید.

- ۱ - منظور دکتر مصدق اظها را ت مهندس کاظم جعفرودی در جلسه مورخ ۱۳۳۳/۲/۲۷ مجلس شورا میلمی (دوره هجدهم) در دفاع از اهداف نهضت ملی ایران می‌باشد.
- ۲ - دکتر مصدق پس از این عبارات در لایحه خود نوشته بود: «کتاب بنده» تا «ملت آزاد نیست که بیگانگان بوسیله اعمال خود در انتخابت که تا موس مملکت است دخالت کنند و به حرف سر تیسما و سر تیسما آمده‌اند و مثال او که به نفع سیاست خارجی تبلیغات می‌کنند خود را متقاعد کنند هیچ وقت روی آزاد را نخواهد دید» ولی بعداً «روی آن خط کشیده است».
- ۳ - تا اینجا از خارج لایحه صحبت می‌کرد و سپس از روی لایحه تنظیمی به قرائت پرداخت.
- ۴ - تا در دکتر مصدق به مندرجات جمله خارجی است که در دادگاه بدوی با کرا و رپینا نی داغ شده‌ای تسلیم دادگاه کرد.
- ۵ - اظها و نظرها می‌مغالغین دکتر مصدق در مجلس شورای ملی با عت کلامها شوم اینها گفته‌های مهندس جعفرودی را می‌آورم.
- ۶ - منظور دکتر مصدق است.
- ۷ - این هم مثل همه قسمت دوم سال دوم حکومت دکتر مصدق را مورد نقاد قرار داد تا نگویند مصدق است. ممکن است چه دلش هم نبوده.
- ۸ - عنوان تیسما و سر تیسما دادستان هم از نظر دادگاه درست نبود صحیح است که دادگاه انتظارتکار را شتید تیسما و سر تیسما در دادستان ارتش با سر تیسما و سر تیسما دادستان ارتش بود. سر تیسما و سر تیسما در آن موقع فرما ندا ر نظامی تهران بود و دکتر مصدق از این عدم تشاسب موضوعی توانسته بود جداگانه در خلاف نظر دادگاه بکند و تحقیق نماید.

بقیه از صفحه ۱

که لفظ "ایران" و "ایرانی" را در مورد سفا رتخانه‌ها و ما مورین سیاسی رژیم آیت‌الله‌بکا ر میبرند، ما اصرا ردا ریم حساب این رژیم را از ایران و ایرانی جدا کنیم و اجرا زدا ریم از این که یگوئیم رژیم ایران یا دولت ایران یا نما پنده ایران. تعمداً "از رژیم آیت‌الله، با همان عنوانی که خودشان انتخاب کرده اند یعنی "جمهوری اسلامی" نام می بریم تا حرمت کلمه "ایران" محفوظ بماند. ما هیچ نوع بستگی بین خودمان با این رژیم و این پرچم و این علامتی که برای آن اختراع کرده اند احساس نمی کنیم، ولی متاء سفا نه آنچسبه در جامعه بین المللی برسمیت شناخته میشود اما سات ملت ها نیسسست، موجودیت حکومت ها ست.

سفا رتخانه های جمهوری اسلامی را در همه جا - متا سفا نه - سفا رت ایران میخوانند و ما مورین این سفا رتخانه ها را ایرانی می شنا سند و هرکاری اینها میکنند بنام ایران و ایرانی تمام میشود.

رژیم خمینی نه حیثیت برای خودش باقی گذاشته است، نه برای ایران و ایرانی. کشورهای زیادی در طول تاریخ دچار

# معجزات امام: تبدیل آدم به آدمکش

باور نکردنی بکشانند.

باورکردنی نیست ولی ما به چشم خودمان می بینیم فقط در فاصله هشت سال، ایران چندین قرن به قهقرا برگشته و از هر جهت دجا را انحطاط شده است تا جایی که افراد تحصیل کرده آداب شناس آن هم از تاء شیرا انحطاط برکنار مانده اند.

همین وحیدگرچی که زدا ستان او با خیرید جوانی است تقریباً "سی ساله که از کودکی با تفاق خانواده اش در فرانسسه زندگی میکرده و در فرانسسه درس خوانده و در فرانسسه تربیت شده است، این شخص را رژیم خمینی تبدیل کرده است به یک آدمکش حرفه‌یی که با کمال خون سردی در کنار خیابان بمب می‌گذارد و مخصوصاً "جایی را انتخاب می‌کند که از حجام بیشتری باشد و عده بیشتری در نتیجه انفجار بمب کشته یا زخمی شوند.

وقتی جمهوری اسلامی سفا رتخانه های خود را در کشورهای خارجی به کسانسون فعالیت های تروریستی تبدیل میکند و برای ایجاد شبکه های تخریب و ترور و

انحطاط شده اند و کشور خود ما هم از این گرفتاری برکنار ر نیوده است. سیاحان و شرق شناسانی که در قرون هجدهم و نوزدهم به ایران سفر کرده اند غلب، در آثارشان اظهار تعجب میکنند که چطور ایران بدان عظمت و بدان آبادی بسه اینچنین مخروبه‌یی تبدیل شده است و ایرانی ها که در عهد باستان، وقتسی وسایل و مکانات آنقدر محدود بود، آنچنین امپراتوری بزرگ و نیرومندی ساختند و بخوبی از عهد ادا ره آن برمی آمدند امروزه بقایای نیمه ویران آن کشور بزرگ را نمی توانند آبا دنگیدارند و بدرستی ضبط و ربط و ادا ره کنند.

پا سخ به این سؤال در گذشته مستلزم ورود در بحث طولانی و تحلیل رویدادهای مختلف تاریخی و تاء شیرا آنها بر اجزای عمومی و خصوصی درجا مع بود. ولی امروز ما با سخ جسم آن را ادا ریم، یک خمینی و یک حادنه، ما نندا نقلاسی که ا ورهبری کرده کافی است برای این که هر مملکتی، هر ملتی، هر مذهبی، هر مملکی را به انحطاط

آدم ربایی و آدم کشی بودجه های کلان اختصاص میدهند طبیعی است اما مثال وحیدگرچی هم پیدا میشوند که کار کردن با این شبکه را کوتاه ترین راه ترقی و سرفقیست تشخیص میدهند.

وحیدگرچی کارمند وزارت امور خارجه نیست و سمت رسمی در هیات نمایندگان جمهوری اسلامی ندا رد ولی همانطور که میدانیم در سفا رتخانه همه کاره بوده است و فرا نویها نیز ا ورا شخص دوم سفارت می شناسند. بعلاوه، اینطور که از گزارشها برمی آید فرا ر بوده است و وحیدگرچی به تهران برود و در نخست وزیری مسئولیت مهمی بر عهده بگیرد و ادا این مقام، مقدمه وزارت ا و بوده است چنان که اشخاص دیگری هم در این چند ساله فقط به اعتبار رسوا بقنان در فعالیت های تروریستی وزیر شده اند.

حمایت آشکار جمهوری اسلامی از وحیدگرچی، به ذات خود قبول اتهام آلودگی به فعالیت های تروریستی از طرف رژیم آیت‌الله محسوب میشود.

دیگران، وقتی میخواهند ما مسور جا سوسی و خرابکاری به کشورهای خارج بفرستند اول با اوطی میکنند که اگر اتفاقاً گرفتار شده دولت هرگونه رتباط خود را با وی تکذیب خوا هد کرد. جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه علی رشم مقررات بین المللی سفارت را مرکز فعالیت های تروریستی قرار داده و از امکانات و تسهیلات و معافیت های دیپلما تیک برای قتل و تخریب در سرزمین دیگران بهره برداری ردیلا نه کرده است، عوض این که بشجوی بر آلودگی خود سرپوش بگذارد و وحیدگرچی را بداخل سفا رتخانه میبرد و برای او موا جه مطبوعاتی ترتیب میدهد. معنی این کار چیست؟ معنایش اینست که وحیدگرچی شخصاً مسئول انفجار و تخریب و تحریک و آدم کشی و قا چاق اسلحه و مواد مخدر نبوده و همه این کارها را او و دیگران طبق دستور سفا رت انجام می داده اند.

مساء له وحیدگرچی اگر به مداخله علنی سفارت نمی کشید هم بصورت یک ا مرقضی وهم در کار دریده و بیستان های دیپلما تیک قابل حل و فصل بود ولی حالاً قضیه صورت دیگری پیدا کرده است. یک سفا رتخانه و در واقع، یک دولت بسرای اولین مرتبه آشکارا مسئولیت عملیات تروریستی را در کشور دیگری به عهده گرفته و این غیرا زما جاری قا چاق تریاک بواسیله صادق طبا طباشی یا سرقت با رانی توسط رجائی خراسانی است که به آسانی بتوان سر و تنش را بهم آورد.

# سوریه هم فاصله میگیرد

بقیه از صفحه ۱

نسانه های سیار حکایت از این دارد که چنین کنفرانس در دست ندا رکا است، و به دلالی که اکنون از جزئیات آن نمی‌گذریم، این کنفرانس هر قدر به وقوع یا فتنن نزدیک تر گردد، به همان انداز دمشق از تهران فاصله می‌گیرد. زیرا اگر صلحی در منطقه فرا رسد، با این جنگ هفت ساله جمهوری اسلامی و عراق را نیز نا مل خواهد شد. سوریه با پیدا رتسابات نزدیک با رژیم تهران را فرو نهد تا در جنگان کنفرانسی با بقیه کشورهای عرب، همندا یا یکمدا سخن گوید. این بیانی است که دولت های عربی، خاصه عربستان سعودی و کویت، از سوریه می خواهند. با وضع اقتصادی که در سوریه روز به روز به وخامت بیشتر می‌گراید، مقا و مستدر برای بر حنین خواستی برای حافظ اسد روز به روز دسوارتر می‌گردد. چنین می‌نماید که نزدیکی با تهران دیگر میدان مانوری بیش از این برای دمشق نخواهد گشود. به عکس، سوریه هر قدر به سوی انبساط تسلط خود بر لبنان جلوتر رود، سطح درگیری آن با حزب الله طرفدار جمهوری اسلامی و حتی خود پادشاهان انقلاب اسلامی گسترده تر خواهد شد. کشتار بیست و اندی حزب اللهی در لبنان در او سفند ما رسال به دست سربازان سوری، فقط کوه های از اسفا دوسبع درگیریهای خونین آینده را نشان می‌دهد. فرض را با دیدر اینها دگد حزب الله، در برا بر نیروهای سوری، اگر سخا هندسدره بقا عویسنگ و حونه جوسی بیروت و

جنوب لبنان را در اختیار بگیرند، مسلماً مقاومت نخواهد کرد. در این صورت نیروهای سوری را هم جز سربوب بیرحمانه این مقاومت نخواهند داشت. میان نیروهای قا زینکنا و حزب الله هیچ قاشونی جز قاشون زور قفا و نت نخواهد کرد.

برسن فقط این است که آیا جمهوری اسلامی شکست حزب الله و بر جیه شدن نفوذ خود را در لبنان فروخواهد بلیعه و جزا عتراضی لفظی کاری نخواهد کرد؟ اگر چه کپکا ها زوزه علمیه قم با مجلس شورای اسلامی صدای بد عتراض علیه سوریه بر می‌خاست، اگر چه پس از کشتار حزب اللهی ها در لبنان از این صدای عتراض بلندتر هم صد، ولی سراجا مزما صدایان تهران در برابر دمشق کوتاه آمدند. چنین می‌نماید ما دگدمشق در ارتباط با جنگ خلیج فارس موضعی هما هنگ با دیگر دولت های عرب منطقه اختیار نکنند تهران ترجیح می‌دهد که کارش با سوریه به رویا روئی نکند. اما نسانه حکایت از آن دارد که از این حیث جرخش ها شی در سیاست دمشق بدساده باشد.

با زار مشترک اروپا در آخرین اجلاس وزیران خارجه خود سراجا شد که تحریم های اقتصادی علیه سوریه را سردار د، و انگلستان که بددنال ما جرائسی تروریستی مناسب دیپلما تیک خود را با دمشق قطع کرد، دست همسما سمان اروپا شی خود را در این کار با زکذاست. حکومت ریکا نمانیده خود در سازمان ملل و روسون و لشرزرا، به دمشق فرستاد

تا با حافظ اسد درباره مناسبات دوجانبه و کنفرانس صلح و جنگ خلیج فارس گفتگو کند.

رژیم تهران تا آرام است. روزنامه "کیهان" (جانب تهران) در شماره ۱۲ تیر، در ستون های اخبار محرمانه خود، زیر عنوان "سکوت دمشق" به لحنی میخسته با نگرانی و تهدیدیه می نویسد که عبدا الحلیم خدام و طارق عزیزیتا زکی در اردن ملاقات کرده اند، و بزودی نه تنها میان سران عراق و سوریه، بلکه بین حافظ اسد و ریکان نیز دیداری دست خواهد داد.

سوریه میدان را بر حزب اللهی ها در بعلبک تنگ تر کرده است و حتی تهدید کرده است که گروهی را در لبنان تحمل نخواهد کرد و در صورت لزوم بسبب محل های شنا سایی شده ربا بندگا رحله خواهد برد.

روزنامه "نا میرده پس از ازشا ره به دیدار سران دو کشور عراق و سوریه با حضور ملک حسین و امیر عبدا لله ولیعهد عربستان سعودی می‌اقراید: "سوریه مقدمات با زکنا شی خط لوله نفتی ما در عراق را به مدیترانه تا زامشود، هم اکنون با استغاده زکامین های نفتکش سرگرم انتقال نفت ما دراتی عراق از خاک خود می‌باشد." روزنامه سس به تهدیدی تلویحی می‌پردازد که اگر سوریه نسان ندهد که از سیاست بینین خود عدول نکرده است، می‌توان نتیجه گرفت که در برابر تهدیدهای غرب و تطمیع های ارتجاع عرب سراجا سمام ناچار شده است در سیاست خود تجدید نظر کند.

باری، طعمه ای که دولت های اروپایی غربی و خاصه کشورهای سروتمند عرب نزد سوریه می‌ندا ختند، همواره لذیذ بود. ولی امروز سوریه در تدوین سیاست های خود بین واقعیت را نیز به حساب می‌آورد که کپکه جمهوری اسلامی خالی سده است.

**راستی ایران است یا چپ و توده**

**برای تاول**  
 تا ۶/۳۰ تا ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ تا ۹/۳۰ تا ۱۰/۳۰ تا ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ تا ۱۴/۳۰ تا ۱۵/۳۰ تا ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰ تا ۱۸/۳۰ تا ۱۹/۳۰ تا ۲۰/۳۰ تا ۲۱/۳۰ تا ۲۲/۳۰ تا ۲۳/۳۰ تا ۲۴/۳۰ تا ۲۵/۳۰ تا ۲۶/۳۰ تا ۲۷/۳۰ تا ۲۸/۳۰ تا ۲۹/۳۰ تا ۳۰/۳۰ تا ۳۱/۳۰ تا ۳۲/۳۰ تا ۳۳/۳۰ تا ۳۴/۳۰ تا ۳۵/۳۰ تا ۳۶/۳۰ تا ۳۷/۳۰ تا ۳۸/۳۰ تا ۳۹/۳۰ تا ۴۰/۳۰ تا ۴۱/۳۰ تا ۴۲/۳۰ تا ۴۳/۳۰ تا ۴۴/۳۰ تا ۴۵/۳۰ تا ۴۶/۳۰ تا ۴۷/۳۰ تا ۴۸/۳۰ تا ۴۹/۳۰ تا ۵۰/۳۰ تا ۵۱/۳۰ تا ۵۲/۳۰ تا ۵۳/۳۰ تا ۵۴/۳۰ تا ۵۵/۳۰ تا ۵۶/۳۰ تا ۵۷/۳۰ تا ۵۸/۳۰ تا ۵۹/۳۰ تا ۶۰/۳۰ تا ۶۱/۳۰ تا ۶۲/۳۰ تا ۶۳/۳۰ تا ۶۴/۳۰ تا ۶۵/۳۰ تا ۶۶/۳۰ تا ۶۷/۳۰ تا ۶۸/۳۰ تا ۶۹/۳۰ تا ۷۰/۳۰ تا ۷۱/۳۰ تا ۷۲/۳۰ تا ۷۳/۳۰ تا ۷۴/۳۰ تا ۷۵/۳۰ تا ۷۶/۳۰ تا ۷۷/۳۰ تا ۷۸/۳۰ تا ۷۹/۳۰ تا ۸۰/۳۰ تا ۸۱/۳۰ تا ۸۲/۳۰ تا ۸۳/۳۰ تا ۸۴/۳۰ تا ۸۵/۳۰ تا ۸۶/۳۰ تا ۸۷/۳۰ تا ۸۸/۳۰ تا ۸۹/۳۰ تا ۹۰/۳۰ تا ۹۱/۳۰ تا ۹۲/۳۰ تا ۹۳/۳۰ تا ۹۴/۳۰ تا ۹۵/۳۰ تا ۹۶/۳۰ تا ۹۷/۳۰ تا ۹۸/۳۰ تا ۹۹/۳۰ تا ۱۰۰/۳۰ تا ۱۰۱/۳۰ تا ۱۰۲/۳۰ تا ۱۰۳/۳۰ تا ۱۰۴/۳۰ تا ۱۰۵/۳۰ تا ۱۰۶/۳۰ تا ۱۰۷/۳۰ تا ۱۰۸/۳۰ تا ۱۰۹/۳۰ تا ۱۱۰/۳۰ تا ۱۱۱/۳۰ تا ۱۱۲/۳۰ تا ۱۱۳/۳۰ تا ۱۱۴/۳۰ تا ۱۱۵/۳۰ تا ۱۱۶/۳۰ تا ۱۱۷/۳۰ تا ۱۱۸/۳۰ تا ۱۱۹/۳۰ تا ۱۲۰/۳۰ تا ۱۲۱/۳۰ تا ۱۲۲/۳۰ تا ۱۲۳/۳۰ تا ۱۲۴/۳۰ تا ۱۲۵/۳۰ تا ۱۲۶/۳۰ تا ۱۲۷/۳۰ تا ۱۲۸/۳۰ تا ۱۲۹/۳۰ تا ۱۳۰/۳۰ تا ۱۳۱/۳۰ تا ۱۳۲/۳۰ تا ۱۳۳/۳۰ تا ۱۳۴/۳۰ تا ۱۳۵/۳۰ تا ۱۳۶/۳۰ تا ۱۳۷/۳۰ تا ۱۳۸/۳۰ تا ۱۳۹/۳۰ تا ۱۴۰/۳۰ تا ۱۴۱/۳۰ تا ۱۴۲/۳۰ تا ۱۴۳/۳۰ تا ۱۴۴/۳۰ تا ۱۴۵/۳۰ تا ۱۴۶/۳۰ تا ۱۴۷/۳۰ تا ۱۴۸/۳۰ تا ۱۴۹/۳۰ تا ۱۵۰/۳۰ تا ۱۵۱/۳۰ تا ۱۵۲/۳۰ تا ۱۵۳/۳۰ تا ۱۵۴/۳۰ تا ۱۵۵/۳۰ تا ۱۵۶/۳۰ تا ۱۵۷/۳۰ تا ۱۵۸/۳۰ تا ۱۵۹/۳۰ تا ۱۶۰/۳۰ تا ۱۶۱/۳۰ تا ۱۶۲/۳۰ تا ۱۶۳/۳۰ تا ۱۶۴/۳۰ تا ۱۶۵/۳۰ تا ۱۶۶/۳۰ تا ۱۶۷/۳۰ تا ۱۶۸/۳۰ تا ۱۶۹/۳۰ تا ۱۷۰/۳۰ تا ۱۷۱/۳۰ تا ۱۷۲/۳۰ تا ۱۷۳/۳۰ تا ۱۷۴/۳۰ تا ۱۷۵/۳۰ تا ۱۷۶/۳۰ تا ۱۷۷/۳۰ تا ۱۷۸/۳۰ تا ۱۷۹/۳۰ تا ۱۸۰/۳۰ تا ۱۸۱/۳۰ تا ۱۸۲/۳۰ تا ۱۸۳/۳۰ تا ۱۸۴/۳۰ تا ۱۸۵/۳۰ تا ۱۸۶/۳۰ تا ۱۸۷/۳۰ تا ۱۸۸/۳۰ تا ۱۸۹/۳۰ تا ۱۹۰/۳۰ تا ۱۹۱/۳۰ تا ۱۹۲/۳۰ تا ۱۹۳/۳۰ تا ۱۹۴/۳۰ تا ۱۹۵/۳۰ تا ۱۹۶/۳۰ تا ۱۹۷/۳۰ تا ۱۹۸/۳۰ تا ۱۹۹/۳۰ تا ۲۰۰/۳۰ تا ۲۰۱/۳۰ تا ۲۰۲/۳۰ تا ۲۰۳/۳۰ تا ۲۰۴/۳۰ تا ۲۰۵/۳۰ تا ۲۰۶/۳۰ تا ۲۰۷/۳۰ تا ۲۰۸/۳۰ تا ۲۰۹/۳۰ تا ۲۱۰/۳۰ تا ۲۱۱/۳۰ تا ۲۱۲/۳۰ تا ۲۱۳/۳۰ تا ۲۱۴/۳۰ تا ۲۱۵/۳۰ تا ۲۱۶/۳۰ تا ۲۱۷/۳۰ تا ۲۱۸/۳۰ تا ۲۱۹/۳۰ تا ۲۲۰/۳۰ تا ۲۲۱/۳۰ تا ۲۲۲/۳۰ تا ۲۲۳/۳۰ تا ۲۲۴/۳۰ تا ۲۲۵/۳۰ تا ۲۲۶/۳۰ تا ۲۲۷/۳۰ تا ۲۲۸/۳۰ تا ۲۲۹/۳۰ تا ۲۳۰/۳۰ تا ۲۳۱/۳۰ تا ۲۳۲/۳۰ تا ۲۳۳/۳۰ تا ۲۳۴/۳۰ تا ۲۳۵/۳۰ تا ۲۳۶/۳۰ تا ۲۳۷/۳۰ تا ۲۳۸/۳۰ تا ۲۳۹/۳۰ تا ۲۴۰/۳۰ تا ۲۴۱/۳۰ تا ۲۴۲/۳۰ تا ۲۴۳/۳۰ تا ۲۴۴/۳۰ تا ۲۴۵/۳۰ تا ۲۴۶/۳۰ تا ۲۴۷/۳۰ تا ۲۴۸/۳۰ تا ۲۴۹/۳۰ تا ۲۵۰/۳۰ تا ۲۵۱/۳۰ تا ۲۵۲/۳۰ تا ۲۵۳/۳۰ تا ۲۵۴/۳۰ تا ۲۵۵/۳۰ تا ۲۵۶/۳۰ تا ۲۵۷/۳۰ تا ۲۵۸/۳۰ تا ۲۵۹/۳۰ تا ۲۶۰/۳۰ تا ۲۶۱/۳۰ تا ۲۶۲/۳۰ تا ۲۶۳/۳۰ تا ۲۶۴/۳۰ تا ۲۶۵/۳۰ تا ۲۶۶/۳۰ تا ۲۶۷/۳۰ تا ۲۶۸/۳۰ تا ۲۶۹/۳۰ تا ۲۷۰/۳۰ تا ۲۷۱/۳۰ تا ۲۷۲/۳۰ تا ۲۷۳/۳۰ تا ۲۷۴/۳۰ تا ۲۷۵/۳۰ تا ۲۷۶/۳۰ تا ۲۷۷/۳۰ تا ۲۷۸/۳۰ تا ۲۷۹/۳۰ تا ۲۸۰/۳۰ تا ۲۸۱/۳۰ تا ۲۸۲/۳۰ تا ۲۸۳/۳۰ تا ۲۸۴/۳۰ تا ۲۸۵/۳۰ تا ۲۸۶/۳۰ تا ۲۸۷/۳۰ تا ۲۸۸/۳۰ تا ۲۸۹/۳۰ تا ۲۹۰/۳۰ تا ۲۹۱/۳۰ تا ۲۹۲/۳۰ تا ۲۹۳/۳۰ تا ۲۹۴/۳۰ تا ۲۹۵/۳۰ تا ۲۹۶/۳۰ تا ۲۹۷/۳۰ تا ۲۹۸/۳۰ تا ۲۹۹/۳۰ تا ۳۰۰/۳۰ تا ۳۰۱/۳۰ تا ۳۰۲/۳۰ تا ۳۰۳/۳۰ تا ۳۰۴/۳۰ تا ۳۰۵/۳۰ تا ۳۰۶/۳۰ تا ۳۰۷/۳۰ تا ۳۰۸/۳۰ تا ۳۰۹/۳۰ تا ۳۱۰/۳۰ تا ۳۱۱/۳۰ تا ۳۱۲/۳۰ تا ۳۱۳/۳۰ تا ۳۱۴/۳۰ تا ۳۱۵/۳۰ تا ۳۱۶/۳۰ تا ۳۱۷/۳۰ تا ۳۱۸/۳۰ تا ۳۱۹/۳۰ تا ۳۲۰/۳۰ تا ۳۲۱/۳۰ تا ۳۲۲/۳۰ تا ۳۲۳/۳۰ تا ۳۲۴/۳۰ تا ۳۲۵/۳۰ تا ۳۲۶/۳۰ تا ۳۲۷/۳۰ تا ۳۲۸/۳۰ تا ۳۲۹/۳۰ تا ۳۳۰/۳۰ تا ۳۳۱/۳۰ تا ۳۳۲/۳۰ تا ۳۳۳/۳۰ تا ۳۳۴/۳۰ تا ۳۳۵/۳۰ تا ۳۳۶/۳۰ تا ۳۳۷/۳۰ تا ۳۳۸/۳۰ تا ۳۳۹/۳۰ تا ۳۴۰/۳۰ تا ۳۴۱/۳۰ تا ۳۴۲/۳۰ تا ۳۴۳/۳۰ تا ۳۴۴/۳۰ تا ۳۴۵/۳۰ تا ۳۴۶/۳۰ تا ۳۴۷/۳۰ تا ۳۴۸/۳۰ تا ۳۴۹/۳۰ تا ۳۵۰/۳۰ تا ۳۵۱/۳۰ تا ۳۵۲/۳۰ تا ۳۵۳/۳۰ تا ۳۵۴/۳۰ تا ۳۵۵/۳۰ تا ۳۵۶/۳۰ تا ۳۵۷/۳۰ تا ۳۵۸/۳۰ تا ۳۵۹/۳۰ تا ۳۶۰/۳۰ تا ۳۶۱/۳۰ تا ۳۶۲/۳۰ تا ۳۶۳/۳۰ تا ۳۶۴/۳۰ تا ۳۶۵/۳۰ تا ۳۶۶/۳۰ تا ۳۶۷/۳۰ تا ۳۶۸/۳۰ تا ۳۶۹/۳۰ تا ۳۷۰/۳۰ تا ۳۷۱/۳۰ تا ۳۷۲/۳۰ تا ۳۷۳/۳۰ تا ۳۷۴/۳۰ تا ۳۷۵/۳۰ تا ۳۷۶/۳۰ تا ۳۷۷/۳۰ تا ۳۷۸/۳۰ تا ۳۷۹/۳۰ تا ۳۸۰/۳۰ تا ۳۸۱/۳۰ تا ۳۸۲/۳۰ تا ۳۸۳/۳۰ تا ۳۸۴/۳۰ تا ۳۸۵/۳۰ تا ۳۸۶/۳۰ تا ۳۸۷/۳۰ تا ۳۸۸/۳۰ تا ۳۸۹/۳۰ تا ۳۹۰/۳۰ تا ۳۹۱/۳۰ تا ۳۹۲/۳۰ تا ۳۹۳/۳۰ تا ۳۹۴/۳۰ تا ۳۹۵/۳۰ تا ۳۹۶/۳۰ تا ۳۹۷/۳۰ تا ۳۹۸/۳۰ تا ۳۹۹/۳۰ تا ۴۰۰/۳۰ تا ۴۰۱/۳۰ تا ۴۰۲/۳۰ تا ۴۰۳/۳۰ تا ۴۰۴/۳۰ تا ۴۰۵/۳۰ تا ۴۰۶/۳۰ تا ۴۰۷/۳۰ تا ۴۰۸/۳۰ تا ۴۰۹/۳۰ تا ۴۱۰/۳۰ تا ۴۱۱/۳۰ تا ۴۱۲/۳۰ تا ۴۱۳/۳۰ تا ۴۱۴/۳۰ تا ۴۱۵/۳۰ تا ۴۱۶/۳۰ تا ۴۱۷/۳۰ تا ۴۱۸/۳۰ تا ۴۱۹/۳۰ تا ۴۲۰/۳۰ تا ۴۲۱/۳۰ تا ۴۲۲/۳۰ تا ۴۲۳/۳۰ تا ۴۲۴/۳۰ تا ۴۲۵/۳۰ تا ۴۲۶/۳۰ تا ۴۲۷/۳۰ تا ۴۲۸/۳۰ تا ۴۲۹/۳۰ تا ۴۳۰/۳۰ تا ۴۳۱/۳۰ تا ۴۳۲/۳۰ تا ۴۳۳/۳۰ تا ۴۳۴/۳۰ تا ۴۳۵/۳۰ تا ۴۳۶/۳۰ تا ۴۳۷/۳۰ تا ۴۳۸/۳۰ تا ۴۳۹/۳۰ تا ۴۴۰/۳۰ تا ۴۴۱/۳۰ تا ۴۴۲/۳۰ تا ۴۴۳/۳۰ تا ۴۴۴/۳۰ تا ۴۴۵/۳۰ تا ۴۴۶/۳۰ تا ۴۴۷/۳۰ تا ۴۴۸/۳۰ تا ۴۴۹/۳۰ تا ۴۵۰/۳۰ تا ۴۵۱/۳۰ تا ۴۵۲/۳۰ تا ۴۵۳/۳۰ تا ۴۵۴/۳۰ تا ۴۵۵/۳۰ تا ۴۵۶/۳۰ تا ۴۵۷/۳۰ تا ۴۵۸/۳۰ تا ۴۵۹/۳۰ تا ۴۶۰/۳۰ تا ۴۶۱/۳۰ تا ۴۶۲/۳۰ تا ۴۶۳/۳۰ تا ۴۶۴/۳۰ تا ۴۶۵/۳۰ تا ۴۶۶/۳۰ تا ۴۶۷/۳۰ تا ۴۶۸/۳۰ تا ۴۶۹/۳۰ تا ۴۷۰/۳۰ تا ۴۷۱/۳۰ تا ۴۷۲/۳۰ تا ۴۷۳/۳۰ تا ۴۷۴/۳۰ تا ۴۷۵/۳۰ تا ۴۷۶/۳۰ تا ۴۷۷/۳۰ تا ۴۷۸/۳۰ تا ۴۷۹/۳۰ تا ۴۸۰/۳۰ تا ۴۸۱/۳۰ تا ۴۸۲/۳۰ تا ۴۸۳/۳۰ تا ۴۸۴/۳۰ تا ۴۸۵/۳۰ تا ۴۸۶/۳۰ تا ۴۸۷/۳۰ تا ۴۸۸/۳۰ تا ۴۸۹/۳۰ تا ۴۹۰/۳۰ تا ۴۹۱/۳۰ تا ۴۹۲/۳۰ تا ۴۹۳/۳۰ تا ۴۹۴/۳۰ تا ۴۹۵/۳۰ تا ۴۹۶/۳۰ تا ۴۹۷/۳۰ تا ۴۹۸/۳۰ تا ۴۹۹/۳۰ تا ۵۰۰/۳۰ تا ۵۰۱/۳۰ تا ۵۰۲/۳۰ تا ۵۰۳/۳۰ تا ۵۰۴/۳۰ تا ۵۰۵/۳۰ تا ۵۰۶/۳۰ تا ۵۰۷/۳۰ تا ۵۰۸/۳۰ تا ۵۰۹/۳۰ تا ۵۱۰/۳۰ تا ۵۱۱/۳۰ تا ۵۱۲/۳۰ تا ۵۱۳/۳۰ تا ۵۱۴/۳۰ تا ۵۱۵/۳۰ تا ۵۱۶/۳۰ تا ۵۱۷/۳۰ تا ۵۱۸/۳۰ تا ۵۱۹/۳۰ تا ۵۲۰/۳۰ تا ۵۲۱/۳۰ تا ۵۲۲/۳۰ تا ۵۲۳/۳۰ تا ۵۲۴/۳۰ تا ۵۲۵/۳۰ تا ۵۲۶/۳۰ تا ۵۲۷/۳۰ تا ۵۲۸/۳۰ تا ۵۲۹/۳۰ تا ۵۳۰/۳۰ تا ۵۳۱/۳۰ تا ۵۳۲/۳۰ تا ۵۳۳/۳۰ تا ۵۳۴/۳۰ تا ۵۳۵/۳۰ تا ۵۳۶/۳۰ تا ۵۳۷/۳۰ تا ۵۳۸/۳۰ تا ۵۳۹/۳۰ تا ۵۴۰/۳۰ تا ۵۴۱/۳۰ تا ۵۴۲/۳۰ تا ۵۴۳/۳۰ تا ۵۴۴/۳۰ تا ۵۴۵/۳۰ تا ۵۴۶/۳۰ تا ۵۴۷/۳۰ تا ۵۴۸/۳۰ تا ۵۴۹/۳۰ تا ۵۵۰/۳۰ تا ۵۵۱/۳۰ تا ۵۵۲/۳۰ تا ۵۵۳/۳۰ تا ۵۵۴/۳۰ تا ۵۵۵/۳۰ تا ۵۵۶/۳۰ تا ۵۵۷/۳۰ تا ۵۵۸/۳۰ تا ۵۵۹/۳۰ تا ۵۶۰/۳۰ تا ۵۶۱/۳۰ تا ۵۶۲/۳۰ تا ۵۶۳/۳۰ تا ۵۶۴/۳۰ تا ۵۶۵/۳۰ تا ۵۶۶/۳۰ تا ۵۶۷/۳۰ تا ۵۶۸/۳۰ تا ۵۶۹/۳۰ تا ۵۷۰/۳۰ تا ۵۷۱/۳۰ تا ۵۷۲/۳۰ تا ۵۷۳/۳۰ تا ۵۷۴/۳۰ تا ۵۷۵/۳۰ تا ۵۷۶/۳۰ تا ۵۷۷/۳۰ تا ۵۷۸/۳۰ تا ۵۷۹/۳۰ تا ۵۸۰/۳۰ تا ۵۸۱/۳۰ تا ۵۸۲/۳۰ تا ۵۸۳/۳۰ تا ۵۸۴/۳۰ تا ۵۸۵/۳۰ تا ۵۸۶/۳۰ تا ۵۸۷/۳۰ تا ۵۸۸/۳۰ تا ۵۸۹/۳۰ تا ۵۹۰/۳۰ تا ۵۹۱/۳۰ تا ۵۹۲/۳۰ تا ۵۹۳/۳۰ تا ۵۹۴/۳۰ تا ۵۹۵/۳۰ تا ۵۹۶/۳۰ تا ۵۹۷/۳۰ تا ۵۹۸/۳۰ تا ۵۹۹/۳۰ تا ۶۰۰/۳۰ تا ۶۰۱/۳۰ تا ۶۰۲/۳۰ تا ۶۰۳/۳۰ تا ۶۰۴/۳۰ تا ۶۰۵/۳۰ تا ۶۰۶/۳۰ تا ۶۰۷/۳۰ تا ۶۰۸/۳۰ تا ۶۰۹/۳۰ تا ۶۱۰/۳۰ تا ۶۱۱/۳۰ تا ۶۱۲/۳۰ تا ۶۱۳/۳۰ تا ۶۱۴/۳۰ تا ۶۱۵/۳۰ تا ۶۱۶/۳۰ تا ۶۱۷/۳۰ تا ۶۱۸/۳۰ تا ۶۱۹/۳۰ تا ۶۲۰/۳۰ تا ۶۲۱/۳۰ تا ۶۲۲/۳۰ تا ۶۲۳/۳۰ تا ۶۲۴/۳۰ تا ۶۲۵/۳۰ تا ۶۲۶/۳۰ تا ۶۲۷/۳۰ تا ۶۲۸/۳۰ تا ۶۲۹/۳۰ تا ۶۳۰/۳۰ تا ۶۳۱/۳۰ تا ۶۳۲/۳۰ تا ۶۳۳/۳۰ تا ۶۳۴/۳۰ تا ۶۳۵/۳۰ تا ۶۳۶/۳۰ تا ۶۳۷/۳۰ تا ۶۳۸/۳۰ تا ۶۳۹/۳۰ تا ۶۴۰/۳۰ تا ۶۴۱/۳۰ تا ۶۴۲/۳۰ تا ۶۴۳/۳۰ تا ۶۴۴/۳۰ تا ۶۴۵/۳۰ تا ۶۴۶/۳۰ تا ۶۴۷/۳۰ تا ۶۴۸/۳۰ تا ۶۴۹/۳۰ تا ۶۵۰/۳۰ تا ۶۵۱/۳۰ تا ۶۵۲/۳۰ تا ۶۵۳/۳۰ تا ۶۵۴/۳۰ تا ۶۵۵/۳۰ تا ۶۵۶/۳۰ تا ۶۵۷/۳۰ تا ۶۵۸/۳۰ تا ۶۵۹/۳۰ تا ۶۶۰/۳۰ تا ۶۶۱/۳۰ تا ۶۶۲/۳۰ تا ۶۶۳/۳۰ تا ۶۶۴/۳۰ تا ۶۶۵/۳۰ تا ۶۶۶/۳۰ تا ۶۶۷/۳۰ تا ۶۶۸/۳۰ تا ۶۶۹/۳۰ تا ۶۷۰/۳۰ تا ۶۷۱/۳۰ تا ۶۷۲/۳۰ تا ۶۷۳/۳۰ تا ۶۷۴/۳۰ تا ۶۷۵/۳۰ تا ۶۷۶/۳۰ تا ۶۷۷/۳۰ تا ۶۷۸/۳۰ تا ۶۷۹/۳۰ تا ۶۸۰/۳۰ تا ۶۸۱/۳۰ تا ۶۸۲/۳۰ تا ۶۸۳/۳۰ تا ۶۸۴/۳۰ تا ۶۸۵/۳

### به خمینی

### اسلحه نفروشید

دکتر شما بورجختیا رهبر نهضت مقاومست ملی ایران دریا می که یکشنبه نوزدهم زوشبه به مناسبت سو قصد تا فرجام به جان آقای امیرحسین امیربروین، رئیس هیئت تاجرای نهضت در انگلستان فرستاد اظهار داشت که بوطه سو قصد به جان دوست و همزم آقا امیرحسین امیربروین، با ردیکر به نبوت رسا ندکسه رژیم خمینی دروای حد و دغورقا نسون بین المللی و اجتماع بین المللی ست دکتر بختیا ردربیا م خودگفت در آنجسه مربوط به نهضت مقاوم ملی ایران است عوامل رجا له خمینی بیدیدانند دستخوش اشتباه مهلکی شده اند، چنانچه تصور کنند که با این اقدام های تروریستی موفق خواهند شد اعضاء نهضت را دستخوش ترس و وحشت سازند، ما همچنان به رغم تمام اقدام های قاتلان حرفه ای رژیم تهران به تلاش خود برای حصول صلح، دموکراسی و حقوق بشر در ایران عزیزمان ادامه خواهیم داد و در آنچه مربوط به انگلستان و کشور های غربی ست به آنها می گویم که آیا موقع آن فرانسویان است که از ادامه معامله با این رژیم دیکتاتور ظالم که سیاست آن صدور افکار فراطبی و ترس و وحشت به کشورهای جهان است خودداری کنند، دکتر بختیا ردربیا یان گفت من خواستار تحریم کامل فروش اسلحه به جمهوری اسلامی هستم و این خواست نامل بستن دفاتر شرکت ملی نفت در لندن که در آن ماء موران خمینی سرگرم خرید های بین المللی اسلحه هستند نیز می گردد.

### سخنرانی دکتر عبدالرحمن پروین

### هدف نهضت

بقیه از صفحه ۴  
استقرار حاکمیت ملی مبارزه میکند بلکه از استقلال و حاکمیت سا زمانه خود هم با تمام نیرو دفاع مینماید و در هیچ شرایطی به هیچ کس اجازه مداخله و تحمیل اراده نمیدهد. (۰۰۰)  
حفظ ثبات منطقه و در نتیجه، حفظ صلح جهانی میسر نیست مگر اینکه نظام مردمسالاری و حاکمیت بی قید و شرط ملی در ایران مستقر گردد و فقط در این صورت است که منافع مشروع آنان نیز ضمن رعایت حداکثر منافع و مصالح ملت ایران تاءمین خواهد شد.  
اینک با توجه به مطالبی که عرضه داشتیم ملاحظه میفرمائید که اقدامات لازم برای اینکه بعد از سرنگون ساختن رژیم آخوندی ملت ایران دچار سردرگمی نشود و گرفتار مغول بیابان نگردد، بعمل آمده و باید اقدامات بعدی بدو تکمیل شود و سپس عملیات براندازی که آنهم مستمرا تدارک شده و میشود آغاز گردد. من در اینجا رسماً اعلام میکنم که نهضت

### رژیم بی فردا

نه تنها در ایران، بلکه در همه آنچه به ایران مربوط می شود - خاصه در خلیج فارس - منظره سیاسی سریع تر از آن تغییر می کند که بتوان آن را نادیده گرفت. پایه های فشارهای اقتصادی - اجتماعی که در داخل بر رژیم تهران سنگینی می کند و توان آن را گاه آهسته و گاه تندتولی پیوسته، می فرساید، فشارهای بین المللی نیز بر آن افزایش یافته است تا راه حلی برای جنگ پیدا شود.  
اما آیا رژیم تهران در این فشارها به سوی میز مذاکره خواهد آمد تا در برابر شرایط آتش بس و ترک خاصه مذاکره کند؟ برای دادن پاسخ منفی به این پرسش نیازی به تغکری طولانی وجود ندارد. دیگر حتی خوشبین ترین ناظران و مفسران نیز تردیدی در این ندارند که رژیم تهران، دست کم مادام که خمینی زنده است و خط اصلی سیاست رژیم را تعیین می کند، به هیچ روی به مذاکره روی نخواهد آورد. هر چند که روزیبه روز روشن تر شود که بیرونی نظام در چشم انداز قرار نداد و در قرا رنخواهد گرفت.  
به این ترتیب با پذیرش آن فشارها به کدام منظور است؟ پاسخ این است که فشارها اگرچه رژیم خمینی را به میز مذاکره نخواهد کشاند، اما درست کردن پایه های قدرت او و در تنگ کردن نفس او تا نتواند بیش از این دروادی بیابان جنگ بدود، تا نیری نمایان خواهد داشت.  
ما بارها اشاره کردیم که به رغم تلاش های انسان دوستانه موسسه ها و چون حقوق بشر و عقوبت بین المللی، دولتها هرگز از رژیم سهره به سفاکی و تجاوز و زوری نخواهند گردانند اگر آن رژیم پایه های حکومتش را در داخل استوار کرده باشد. اکنون اشاره می کنیم که عکس این نیز به همان اندازه درست است. اگر پایه های حکومتی در داخل ست شود، هیچ انگیزه ای سبب نخواهد شد که دولت ها به سوی چنین حکومت در حال فروریختن، دست یاری دراز نکنند و در نتاج آن بکوشند. آنگاه نسبت به حکومت های به اصطلاح "دوست" چنین نمی کنند، و در باره رژیم خمینی به طریق اولی نخواهند کرد.  
اینکه رژیم خمینی فاسد است، اینکه رژیم خمینی از تروریسم بین المللی حمایت می کند و یکی از خاستگاه های اصلی آن است، اینکه رژیم خمینی مدا م به حقوق بشر تاج و زمی کند - اینها چیزی نیست که دولتهای بزرگ اروپائی تا زه دریا فته یا شده، حتی پس از آن که معلوم شد از این لحاظ هیچ نقطه ای با می در مورد رژیم خمینی وجود ندارد، حکومت آمریکا

کوشید تا پنهانی با آن را بظهور قرار کند که رسوائی معروف به "ایرانگیت" بسیار آمد.  
واکنش که دولتهای مهم اروپائی مناسبت خود را به حداقل لازم گذاشتند و اندوختی فرانسه تهدید کرده است که مناسبتش را با رژیم تهران قطع خواهد کرد، فقط یک نتیجه می توان گرفت: پایه های رژیم خمینی ست شده است و حکومت تهران فردا بی نندارد.  
اما این سبب نمی شود که رژیم تهران برای بیرون آمدن از انزوایی که روز بروز بیشتر می شود، تلاشی ننماید. گرداگرد آن در خلیج فارس، حلقه مدام تنگ ترمی شود، رژیم تهران پس از آن که تلاش و برای شکاف انداختن در سیاست آمریکا تا کشتی های کویستی نتوانند پرچم آن کشور را بر کشتی های خود برافرازند، به نتیجه دلخواه نرسید، می کوشد و حرکت موازی با یکدیگر انجام دهد. نخست اینکه با حملات کشتیها در خلیج فارس نشان دهد که به رغم افزایش حضور نظامی ابر قدرت ها در این آبراه بین المللی، آرا مشیدان با زنگشته، بلکه نامن تر نیز شده است.  
دوم اینکه با اشغال پذیر بی بیشتر در عرصه دیپلماتیک، درهای مذاکره را برای توافقهای احتمالی بعدی باز بگذارد.  
واکنش نسبتاً ملایم رژیم تهران در برابر تعرض دیپلماتیک فرانسه در ارتباط با فعالیت های تروریستی و حیدگرچی زیک سو در عین حال حمله به یک کشتی بازرگانی فرانسوی در آبهای جنوبی خلیج فارس از سوی دیگر، جلوه های همین سیاست دوگانه رژیم تهران است.  
ولی در حالی که واکنش ملایم دیپلماتیک رژیم تهران سبب نشده است که فرانسه در مورد وحیدگرچی کوتاه بیاید و نخست وزیر این کشور گفته است که، وحیدگرچی، باید نزد قاضی تحقیق حاضر شود، گمان نمی رود که تهدیدهای تروریستی در خلیج فارس واقعاً احتمالاً لبنان، فرانسه را به نریش وادارد.  
سرزنی که اروپا ثیا و آمریکا ثیا با آن روبرو هستند این است که در گذشته در برابر رژیم تهران بیش از اندازه نریش نشان داده اند. افکار عمومی در این کشورها می گوید اگر دولتهای برای در افتادن با رژیم تروریست عضلات به اندازه کافی ورزیده ای دارند، اکنون روز نشان دادن این عضلات است.  
بروز جنگنده های آمریکا ثیا و هواپیما برکانس تلیشن بر فراز خلیج فارس اگر فقط در حد یک قدرت نمایی ساده باشد، کار دولتهای بزرگ را خراب خواهد کرد. آمریکا برای با ورید کردن اراده خود یا بدجلوتر از اینها برود. این نتیجه ای است که اکثریت بزرگ سیاستمداران آمریکا ثیا بدان رسیده اند.  
یزدان پاک یک با ردیکر دنیا خواهد دانست که: ایران هرگز نخواهد مرد

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۲۰ فرانت فرانسه -  
شش ماهه ۱۲۰ فرانت فرانسه -  
دانشجویان نصف قیمت

اینجانب ( نام و نام خانوادگی ) نام خانوادگی: Nom  
نام: Prénom  
آدرس: Adresse:  
تاریخ: امضاء  
تعداد حساب بستنی:  
QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS  
شماره حساب بانکی:  
QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

### توجه لازم

شما دارنده تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها را که به آدرس حساب بستنی یا بانک فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

### عطسه بیداری غرب

بقیه از صفحه ۳  
با هزار شیرینک، دولت آخوندهای فاسد و ضدبشر را تقویت کرده اند؟ همه ایرانیان میدانند که شما، دول غربی، بمنظور حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود، با وجود اذیت های مستمر و بی سرمانه، مستحسبی و خوش عمامه سرکه نرمانا شد، همواره در صدد تسام و دلجوئی با اقلیت فاسد و زورگوی حاکم بر ایران بوده اید.  
امروز که دولت فرانسه دست رد برتقاضای بی منطق و التیما تو مخجلت آور آخوندها زده و روابط سیاسی خود را با جمهوری آدمگزان قطع کرده است، می بینیم آن سواالی که دکتر بختیا را، در ما دنوا مبر ۱۹۸۲، در انجمن کنفرانسی های بزرگ ساریس مطرح کرد که: کدام کشور عاقبت این شجاعت را خواهد داشت که تقاضا کند کشوری که قوا عززندکی بین المللی را محترم نمیدارد، از جاعه بین المللی را ندیده شود؟ - هر چند دیر با سخ خود را یافته است.

بقیه از صفحه ۱

مجلس سنج میدان مسابقه‌ها می‌شود و سردا رسیده لازم می‌دید که اکثریت نمایندگان این مجلس را در اختیار داشته باشد. بدین منظور، ما موران وزارت داخله (کشور) و نظمی (شهری) و حکسام نظامی ولایات، بر حسب اشاره دولت ما، مورد انتخابات را بنفع طرفداران شناخته شده سردا رسیده کارگزارانی کنند و از گمانی هم که زمینه محلی داشتند و انتخاب آنها محتاج صندوق سازی و مداخله دولت نبود، پیشا پیش بنفع سردا رسیده بیعت بگیرند.

بدین ترتیب، مجلس پنجم در حالی که اکثریت اعضای آن را طرفداران یکا سوسیالگام سردا رسیده تشکیل می‌دادند، رسمیت یافت ولی البته اقلیتی هم وجود داشت و افکار عمومی هم در آن روزگار هنوز نقش در جریانات سیاسی کشور ایفا می‌کرد و بدین ترتیب، از همان ساعت اول، مجلس جدید محنته کشمکش دو گروه سیاسی شد. گروه حامیان سردا رسیده و گروهی که از افزایش قدرت سردا رسیده و نشستن او بر مسند ریاست فاشته و فرما نروایی کشور و همه داشتند و معتقد بودند که سردا رسیده قدرت بیشتری پیدا کند تا حده مشروطیت خواجه خواجه شد.

وکلای مجلس میبایستی در ابتدای کارشان به کلام الله مجید سوگند بخورند که نسبت به قانون اساسی وفا دار خواهند بود ولی در قانون اساسی، قید شده بود که سلطنت موروثی ایران حق مسلم خاندان قاجار است و نسل بعد از نسل در اولاد ذکور محمد علی شاه قاجاری خواهد ماند. آنوقتیا هنوز سوگند یاد کردن، آنهم سوگند بقیه قرآن، امری سرسری گرفته می‌شد. عده‌یی از وکلای اکثریت هم معمو اول نما زور زده بودند چون میدانستند در مجلس پنجم چه کاری با پیدا نخواهد شد، در مانده بودند که با این سوگند تکلیفشان چیست.

خاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی یکی از این وکلای بود، و در خاطرات خود مینویسد:

"ده روزی سردا رسیده مرا طلبیده می‌گوید هیئت علمیه مجلس تا زه را مده و کارها را در به جریان می‌آورد فقط آنها را تعلل کردن یک عده از نمایندگان که از جمله شما هستید کار سوگند خوردن دلتنگ میباشند و تقاضا کرده اند از شما و از دیگر رفقای قسم نخورده بخواهم در ادای این رسم تعجیل نمائید که این غافل هم بر طرف شود.

جواب میدهم چون نمایندگی را پذیرفته‌ام تا چارها بدو وظایف و تشریفات آن را بجا آورم اما بخص شما میگویم اگر رفتیم به گرسی خطابه مجلس و قسم یاد کردیم که از حدود قانون اساسی تجاوز نکنیم دیگر به کاری که مخالف این قانون بوده باشد اقدام نخواهیم کرد.

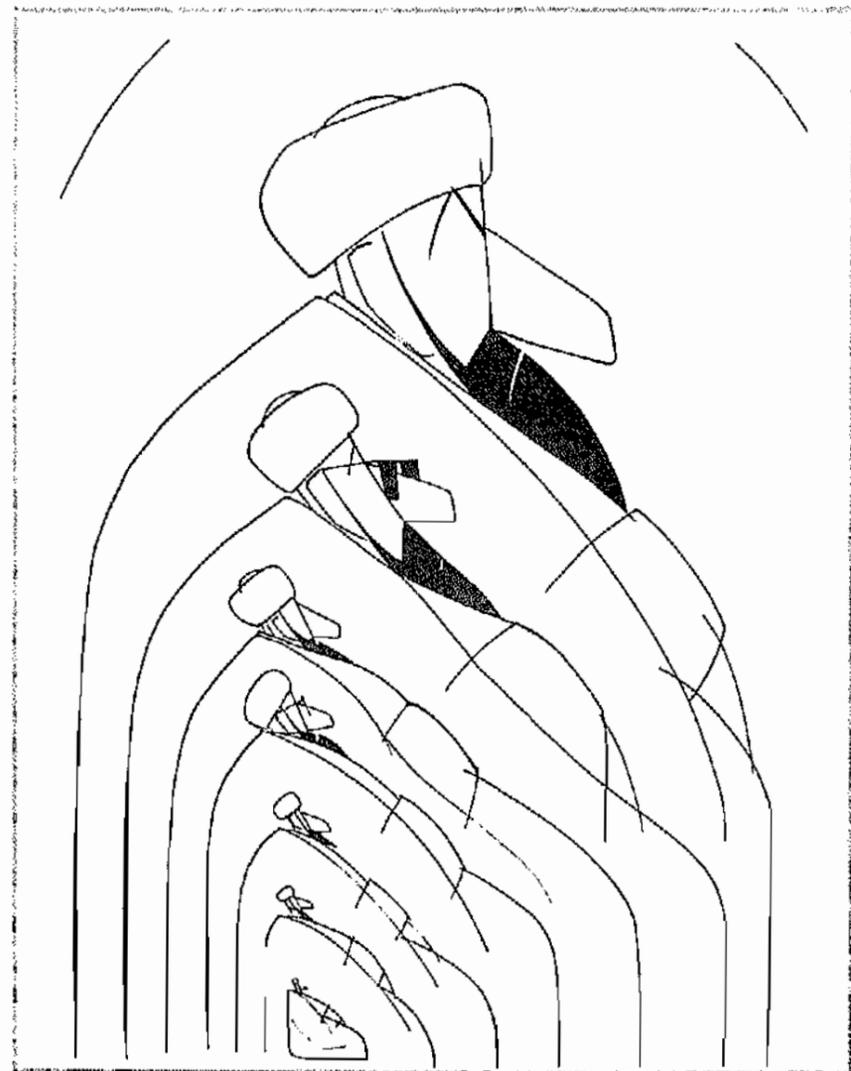
سردا رسیده بپره‌ها فروخته می‌گوید: این چه حرفی است؟ امروز این افتخار را دارم، رفقا! می‌کنید فردا هم هر چه افتخار کرده‌مان را خواهد کرد؟

سومین مجلس اسلامی هم - در صورتی که

# حمله و ضد حمله

جناح اول با تغییر و تبدیل وسیع فرماندهان حمله را آغاز کرد. فرمانداری که عوض شدند عموما "سفا رش شده شمع جمع و جماعت بودند و زیر نفوذ آنها قرار داشتند، از آنجا که شمع جمع و جماعت بیشتر با "بیت‌ناپام" در ارتباط بودند وجود فرماندهان را که تحت نفوذ آنها

وضع و احوال سیاسی در ایران بصورت عادی ادامه پیدا کند. صحنه با زیبایی بزرگ خواهد بود و به همین سبب است که مدعیان قدرت از هم اکنون بر سر انتخابات و تصاحب کرسی‌های بیشتر پنجه در پنجه بکشدند و انتخابات را به خود اختصاص دهند. جناح وابسته به "بیت‌ناپام" که به طرفداران



قرار داشته باشند طبیعا "مزا حمانتخاب وکلای مورد نظر برای تشکیل مجلس یکدست خواهد بود. ازینرو فرماندهان جدیدی از طرف وزارت کشور تعیین شدند که مطیع اوامر مرکز باشند و گوش به حرف آخوندهای محل ندهند.

همزمان، حمله دیگر جناح وابسته به بیت‌ناپام نیز با انحلال حزب جمهوری اسلامی به موفقیت مقرون شد. در حزب جمهوری اسلامی، گروه‌هایی از مذهبیون و تجار و اصناف که از فساد قدرت مطلقه بدست رفتن سنجانی و دارو دستها و بیعتنا کنند با یگانهای محکمی داشتند و حزب خواه تا خواهد در انتخابات نقش مؤثری ایفا می‌کرد و اینهم برای انتخابات صدر صد دولتی بمنظور تشکیل مجلس یکدست مزا حمتی محسوب میشد، بنا بر این حزب

فقه پویا شهرت یافته و ائتلافی است از سید احمد خمینی، هاشمی رفسنجانی، موسوی نخست وزیر، محتشمی وزیر کشور، رفیق دوست وزیر سپاه و تعدادی دیگر از اطرافیان و بستگان خمینی همان تاکتیکی را اختیار کرده است که سردا رسیده برای رسیدن به قدرت مطلقه بکار گرفت. یعنی میخواستند مجلس یکدست از وکلای سربرده تشکیل دهد و بدینستاین مجلس تمام مقاصد خود را اجراء کند.

دربرابر این گروه، جناح وابسته به "بیت‌ناپام" قرار داده که به طرفداران فقه سنتی مشهور شده است و این جناح می‌گوشد سنگرها بی‌راکه هنوز در مقابل تسلط طلبی جناح دیگر مقاومت میکنند نگاهدارد و از اینکه رقیبان اختیار کامل مجلس را بدست آورند مانع شود.

منحل شد تا که ندیدایی در انتخابات نداشته باشد.

تنها مانعی که در برابر انتخابات مورد نظر و تشکیل "مجلس یکدست" باقی مانده شورای نگهبان است. نطق تفرع آمیز رفسنجانی در برابر خمینی، راجع بسسه شورای نگهبان، مقدمه‌یی برای مرحله سوم حمله و درهم کوبیدن این سنگر آخرین بود زیرا شورای نگهبان در انتخابات، اختیار تعیین کنندگان دارد. صلاحیت کاندیداهای نمایندگی با یدیه تصویب شورای نگهبان برسد و در حقیقت، شورای نگهبان است که در مرحله‌ها نماینده‌ها را نمایندگی را معرفی میکند. علاوه بر این، نظارت بر صحت جریان انتخابات از وظایف شورای نگهبان بشمار می‌آید و شورای نگهبان میتواند انتخابات را در هر مرحله‌یی متوقف یا باطل کند.

رفسنجانی، در خطابه‌ها استراحت می‌خورد، شورای نگهبان را مانع اصلی در راه تصویب قوانین اساسی و تحقق بخشیدن به هدفهای انقلاب و تاس بین سعادت مستضعفان معرفی کرد و از آیت‌الله خمینی، بعنوان "تنها کسی که در زیر این آسمان و تنها در این مقطع از زمان قادر است تصمیمات پیاپی را بگیرد" درخواست کرد تا بین سدمزاجان از پیش پای انقلاب برآید.

خمینی در آن جلسه جواب صریحی نداد. ولی رفسنجانی چند روز بعد، در مصاحبه مطبوعاتی خود اعلام داشت که حضرت اما مقول داده اند قدری فکر کنند و بزودی تصمیم خواهند گرفت. اما از طرفی، آیت‌الله منتظری که حریف دیگر این بازی است و آخوندهای متنفذ طرفدار فقه سنتی را پشت سر دارد، در ملاقات با اعضای شورای نگهبان، مسئولیت آنها را در انتخابات گوشزد کرد و گفت:

"من همواره سفا رش کرده‌ام که میبایست با دقت مسائل را بررسی کرد و وقتی حق تشخیص داده شد روی آن ایستادگی کرد و تحت تاثر تیرجوسازی‌های کاذب قرار نگرفت. احترام به شورای نگهبان یک امر ضروری است و نباید گذاریم خدای ناکرده سرنوشت علماء طراز اول در تمام قانون مشروطه مبتلا شود..."

حال نوبت آیت‌الله خمینی است که ورق خود را با بازی کند و با آنطور که حجت الاسلام رفسنجانی آرزو دارد که سه و کوزه شورای نگهبان را نیز مانند حزب جمهوری اسلامی درهم بریزد و با ملاحظه آخوندهایی که هنوز نمیتوانند قدرت و نفوذشان را نادیده گرفت، همچنان به کجدار و مریز ادا مدهد.



نشانی:  
QYAM IRAN  
C O C B.  
17, bd. RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد